

به شرایط "نه جنگ، نه صلح"، از طریق صلحی پایدار باید پایان داد

از این ملاقات‌ها پیرامون اجرای قطعنامه ۵۹۸ شورای امنیت سازمان ملل متحد با طرفین به گفتگو نشست.

رفسنجانی و دیگر مقامات جمهوری اسلامی در دیدار خود با "الیاتسون" ضمن تاکید بر ترتیب اجرای بندهای قطعنامه ۵۹۸ شورای امنیت بر معتبر بودن قرار داد الجزایر منعقد شده در سال ۱۹۷۵ پای فشرده. الیاتسون نیز در مذاکرات انجام شده بر حمایت شورای امنیت و دبیر کل سازمان ملل متحد بر اجرای کامل قطعنامه تاکید کرد. ماموریت اخیر فرستاده ویژه دبیر کل که ۱۷ روز به طول انجامید هلیبر فم مشخص بودن مینا و دستور کار تعیین شده به علت کار شکنی‌های رژیم‌های ایران و عراق و خصوصاً دعوای زورگویان مقامات رژیم عراق بار دیگر بدون هیچ نتیجه روشن به بن بست رسید.

در همین زمینه "الیاتسون" در تهران اعلام کرد که خبر منتشره از سوی محافل نزدیک به هیئت سازمان ملل که در آن ادعا شده بود که در دور سوم مذاکرات با مقامات عراقی در زمینه اجرای قطعنامه و عقب نشینی نیروها پیشرفتی حاصل شده است شایعه بوده و به هیچ وجه صحت ندارد.

مطابق طرح ارائه شده دبیر کل که در صورت توافق طرفین درگیر می‌تواند مبنای مذاکرات و اجرای قطعنامه ۵۹۸ قرار گیرد، نیروهای طرفین موظفند ظرف ۱۵ روز به پشت مرزهای شناخته شده بین المللی بازگردند و همه اسرای دو کشور که تعداد آنها بالغ بر یکصد هزار تن می‌باشد بقیه در صفحه ۳

"یان الیاتسون" نماینده ویژه دبیر کل سازمان ملل متحد که در او اسطماه جاری برای دیدار با مقامات دو کشور ایران و عراق و گفتگو پیرامون یافتن راه حل شکستن بن بست مذاکرات صلح به منطقه سفر کرده بود بار دیگر بدون نتیجه به سفر خود پایان داد.

"یان الیاتسون" در مدت ماموریت خود از دو کشور با مقامات ایرانی و عراقی بطور جداگانه چند بار دیدار و مذاکره نمود و در هر یک

اعلام خبر اعدام ۴ تن از افسران ارشد ارتش

جمعه اول اردیبهشت اعلام نماید که خبر دستگیری این افسران به اتهام جاسوسی برای آمریکا صحت دارد ولی خبر اعدام آنان نادرست است. وی به امت "حزب الله" در نماز جمعه تهران وعده داد که برای اثبات جرم جاسوسی و نادرستی خبر اعدام افسران دستگیر شده، آنان را در مصاحبه‌های تلویزیونی به مردم نشان خواهند داد.

هلیبر فم این سخنان رفسنجانی نه از اثبات جرم آنها در دادگاه‌های صالحه خبری به میان آمد و نه آنان را بر صفحه تلویزیون به نمایش گذاشتند.

در روز ۱۳ آبان هدهای دیگر را رژیم به اعتراف تلویزیونی دایر بر جاسوسی برای آمریکا واداشت.

خبر اعدام ناخدا تورج ریاحی، ناخدا کیانوش حکیمی، سرتیپ اردشیر اشرف و ابراهیم مشتاقی در حالی صورت می‌گیرد که از سر نوشت دیگر افسران اسیر شده خبری در دست نیست.



دوشنبه ۲۹ آبان ۱۳۶۸ برابر با ۲ نوامبر ۱۹۸۹
بسماء عربیال سال ششم شماره ۲۸۳

یک مقام مسئول در سازمان اطلاعات حکومت اسلامی در روز ۱۵ آبان اعلام کرد که چهار تن از افسران ارشد و امیران ارتش به اتهام جاسوسی برای آمریکا در روز ۱۳ آبان ماه بر اساس حکم صادره از سوی مقامات قضائی رژیم (دادگاه ویژه جنگ) اعدام شده‌اند.

این فرد ادعا نمود این چهار تن به نام‌های تورج ریاحی، کیانوش حکیمی، بوشهری، اردشیر اشرف و ابراهیم مشتاقی که مدتی پیش به اتهام جاسوسی برای سازمان جاسوسی آمریکا (سیا) بازداشت شده بودند، در دوران جنگ ایران و عراق اطلاعات ذی‌قیمتی را در اختیار آمریکا قرار می‌داده‌اند و آمریکا نیز از اطلاعات این افراد برای کمک به عراق در جنگ و انجام اعمال تروریستی و مداخله گرانه استفاده می‌کرده است.

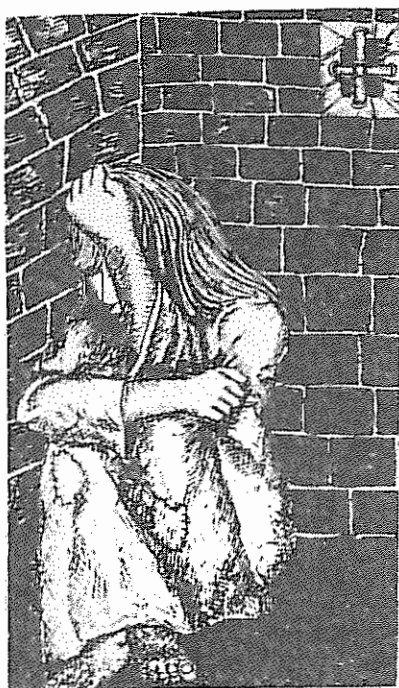
حدود ۸ ماه پیش برخی منابع خبر اعدام ناخدا تورج ریاحی و ناخدا کیانوش حکیمی همراه با هدهای دیگر از افسران ارتش را منتشر ساخته بودند ولی از آن زمان تاکنون مقامات رژیم خبر اعدام آنان را نادرست می‌خواندند؛ بطوریکه رفسنجانی بعد از انتشار خبر دستگیری وسیع افسران ارتش و اعدام آنان مجبور شد در نماز

خطر قتل عام همچنان زندانیان سیاسی زن را تهدید می‌کند

سرنوشت ۸۱ تن زندانی سیاسی زن و تهدید زندگی آنان همچنان از حساسیت و اهمیت خاصی برخوردار است. اخبار رسیده حاکیست که جلادان اوین چند تن از این زندانیان را به سلول‌های انفرادی کشانده‌اند.

در نتیجه فشار افکار عمومی و سازمان‌های بین‌المللی و افشاکاری‌های انجام یافته، آخوند یزدی رئیس قوه قضائیه برای توجیه جنایت و انحراف اذهان مردم، در نماز جمعه تهران اظهار داشت که "اگر در ایران چند زن به دلیل ارتکاب جرائمی در دادگاه‌ها به اعدام محکوم شده‌اند، این اعدام جرم آنها بوده است و هرگز ناشی از مسئله سیاسی نیست".

احتیاج به توضیح ندارد که رژیم جنایتکار اسلامی مخالفان سیاسی خود را با عناوین مختلف از جمله قاچاقچی و فیره اعدام می‌کند. بیانیه‌های اخیر سازمان حقوق بین‌الملل پرده از روی این جنایت برداشته است. هیچ بعید نیست که رژیم در رابطه با زندانیان سیاسی زن نیز به این حیل و شیوه ضد انسانی دست یازد و با انتساب جرایم غیر سیاسی زندانیان سیاسی زن را مانند سایر زندانیان سیاسی قتل عام کند. از اینرو افشای این طرفداری کثیف رژیم و برانگیختن افکار عمومی علیه این جنایت پیشه‌گی برای نجات بقیه در صفحه ۳



در این شماره

خیابان، بورس سیگار و کوبن باطله

در صفحه ۵

اجرای کنسرت موسیقی ایرانی
توسط گروه "عارف"، در اروپا

در صفحه ۱۲

از رنج مردم بلوچ

در صفحه ۲

بلغارستان نیز به روند دگرگون سازی
پیوست

در صفحه ۱۲

از رنج مردم بلوچ

گزارشی درباره عشایر تامين يافته بلوچ و اقدامات جنایت بار رژیم در منطقه

که مسئولین اطلاعات سپاه و کمیته در اغلب موارد به دو بخش تقسیم شده، یک بخش بظاهر پشتیبان یک طایفه شده و بخش دیگر پشتیبانی از طایفه دیگر را بعهده گرفته و با همین روش جنایت‌ها و فاجعه‌های بسیار خونین را در منطقه دامن زده و شعله‌ور نموده‌اند.

تأمین‌ها همچنین بر اساس اختلافات موجود در حاکمیت و وجود باندهای مختلف در همه نهادهای حکومتی، از جانب این باندها و جناح‌های متنوع درون حکومتی نیز مورد تهدید قرار می‌گیرند. آنها نیک دریافته‌اند که به آسانی زندگی‌شان می‌تواند دستخوش حوادث غیر قابل پیش‌بینی که در نتیجه کشمکش‌های درون حکومتی پدیدار می‌شود بگردد. هم‌اکنون در منطقه هوامل جناح‌های مختلف حکومتی در میان نیروهای امنیتی و انتظامی هر کدام سعی دارند گوی سبقت را از دیگری ببرند و به نحوی از این نیروهای تامين يافته در پیشبرد اهداف خود استفاده نمایند.

طبق اطلاعات واصله تأمین‌هایی که اخیراً بطور دسته‌جمعی و طایفه‌ای به ج.ا. تسلیم شده‌اند، توسط سازمان اطلاعات و امنیت (ساوا) بازجویی شده‌اند. آنها همچنین به این طوایف گفته‌اند که اگر کسی خونی از شما طلبکار باشد ما فرامت پرداخت خواهیم کرد. منتها چنانچه شما از کسی طلبکار بودید خودتان فرامت بگیرید!! معنی این توصیه طبیعتاً چیزی جز چراغ سبز دادن برای تداوم درگیری‌های طایفه‌ای در بلوچستان نیست.

همچنین نیروهای امنیتی رژیم با رذالت تمام سعی کرده‌اند که با تهدید و تطمیع از جوانان تامين يافته مزدور پرورش بدهند. بر همین اساس به تعدادی از آنها دستور داده‌اند که: "چون شما با سرقت آشنایی دارید، حال که به ایران برگشته‌اید وسایل نقلیه افراد تامين نگرفته را به سرقت برده و به ایران بیاورید. ما از هر سه ماشین دوتای آنها را برای حکومت ضبط می‌کنیم و یکی را

تعدادی از عشایر بلوچ که از مدتها قبل به دلایل مختلف با رژیم درگیر شده و سپس آواره کشورهای همجوار گردیده بودند، بخاطر تشدید فشارهای اقتصادی، اجتماعی و امنیتی که آنها را احاطه کرده بود، بطور انفرادی یا بصورت دسته‌جمعی اجباراً به وعده‌دهی رژیم تن داده و به بلوچستان مراجعت کرده‌اند. این روند که از مدتها پیش آغاز شده بود، اخیراً شکل وسیع‌تری بخود گرفته است. در بلوچستان این افراد تأمین‌ناپذیر می‌شوند.

گزارش‌ها نشان می‌دهد که تأمین یافته‌ها متأسفانه بواسطه برنامه‌هایی که اطلاعات، سپاه، کمیته و در واقع رژیم جمهوری اسلامی برایشان در نظر گرفته‌اند، از هیچ‌گونه آرامشی برای ادامه حیات و زندگی خود در منطقه برخوردار نشده‌اند. رسانه‌های تبلیغاتی رژیم از آنها چهره‌های مفلوک و نامطلوبی را نیز در سطح جامعه بلوچ ارائه داده‌اند.

تأمین‌ها خیلی زود با ابعاد دردناک هذابی که متوجه‌شان شده آشنا گردیده و بار دیگر خود را در حصار و تنگنایی بغایت وحشتناکتر از آنچه که تصور می‌نمودند یافتند. اکثر آنها انسانهای ساده و خواهان زندگی سالم و باآینده‌ای روشن‌تر و تضمین یافته‌تر برای خود و فرزندان‌شان هستند. اما دریغ که وحوش حاکم در "ج.ا." که ذره‌ای احترام و تعهد نسبت به خواست‌ها، امیال و زندگی انسانی و انسان‌ها ندارند، در برخورد به مردم مناطقی چون کردستان و بلوچستان همچنان کینه‌توزانه، به ویران کردن و تباهی همه آثار موجودیت و زنده بودن این خلق‌ها مبادرت می‌ورزند.

گزارش‌های رسیده از بلوچستان پیرامون وضعیت تأمین‌ها خود بیانگر ابعاد ستمی است که بر این خلق می‌رود!

... در میان اغلب تأمین‌ها و بطور نمونه در میان طوایف تازه تأمین یافته، هم ریش‌سفیدان و هم جوان‌ترهای طایفه در نشست‌های خصوصی‌شان کاملاً واقعی و بصراحت اظهار می‌دارند که عامل اصلی درگیری بین آنها و دامن زدن به موضوع کشت و کشتار بین‌شان، نیروهای امنیتی "ج.ا." می‌باشند.

آنها می‌گویند که دو طرف مسلح از هر دو طایفه، پشتگرمی از جانب نیروهای اطلاعات سپاه و کمیته داشته‌اند و از طرف آنها تشویق و ترغیب به تداوم انتقام‌جویی‌ها می‌شده‌اند. آنها اظهار داشته‌اند

اسلحه جهت انجام چنین عملیاتی همیشه سعی کرده‌است ضمانت‌های معتبری از مجریان این گونه عملیات از قبیل سند منزل یا مافازه دریافت نماید.

هم‌اکنون کارت‌های ترددی برای تعدادی از تأمین یافته‌ها درست نموده که موقتی و ۱۸ روزه می‌باشند و پس از هر ۱۸ روز تأمین‌یابیستی شخصاً برای تعویض کارت‌ش به مراکز اطلاعاتی و امنیتی رژیم مراجعه نماید. این نیز خود نشانه بی‌اتمادی رژیم به بلوچ‌های تأمین یافته است و با این کار قصد معار و کنترل هرچه بیشتر آنها را دارد.

ذکر مختصر وقایعی که پیرامون تأمین‌ها وجود دارد، خود بیانگر تشدید فشار و ایجاد شرایط نامطلوبی است که حکومتیان برای درهم ریختن کل جامعه بلوچ و بی‌هویت کردن عشایر این مرز و بوم جهت تبدیل آنها به بازوی مسلح بومی خود برای سرکوب جنبش ملی - دمکراتیک خلق بلوچ دنبال می‌کنند.

روشنفکران و نیروهای مترقی بلوچ از عشایر تأمین یافته طلب می‌کنند که با هوشیاری و احساس مسئولیت در قبال دیگر شهروندان جامعه بلوچ، به اشکال مختلف دسیسه و ترفندهای شناخته شده و رذیلانه حکومت را با مشورت، اتحاد و تعاون خود خنثی کرده و نگذارند که عوامل غیر بومی و بومی رژیم در این منطقه، آنها را به بازچه اهداف پلید خود تبدیل نمایند.

از عشایر بلوچ خصوصاً تأمین یافته‌ها طلب می‌شود که ضمن بازنگری نسبت به آنچه که بر آنها رفته است، با اجتناب و دوری گزیدن از درگیری‌های طایفه‌ای، عدم پذیرش مسئولیت‌های نظامی و اطلاعاتی، حفظ وحدت درون طایفه‌ای و گسترش مشورت و تماس‌های مابین طوایف، شرکت فعالتر ریش‌سفیدان اقوام مختلف برای رفع منازعات و اختلافات، تلاش جهت تثبیت موقعیت اقتصادی و مشارکت با یکدیگر جهت راه‌اندازی مراکز درآمد سالم جهت امرار معاش، آسیب‌پذیری خود را در مقابل حاکمان "ج.ا." به حداقل برسانند.

تنها در این صورت است که عشایر بلوچ (بطور مہوم) می‌توانند نقش موثر خود را در رشد و اعتلا جنبش ملی - دمکراتیک خلق بلوچ در راستای تأمین حق تعیین سرنوشت برای ملت تحت ستم بلوچ ایفا نمایند.

بنام خودتان سند می‌زنیم و برای وسایل نقلیه کنونی شما نیز به نرخ تعاونی لاستیک تحویل می‌دهیم." بدنبال همین ترفند رذیلانه بوده که چند تن از قریب خوردگان تأمین‌مدتی قبل سه ماشین از طایفه معیر نخل‌زهی را که تأمین نگرفته‌اند به سرقت برده و از پاکستان به ایران آورده‌اند. قابل توجه است که در همین رابطه طبق رهنمود و دستور نیروهای اطلاعات و امنیت "ج.ا." کسانیکه مبادرت به این اقدام می‌ورزند، در حین انجام سرقت، خود را بنام تعدادی دیگر از جوانان که در این رابطه از قبول همکاری با اطلاعات سر باز زده‌اند صدا نموده‌اند تا با چنین شگردی اولاً آنها را بدنام کنند، ثانیاً آنها را تحت فشار قرار دهند تا به چنین همکاری‌هایی رضایت دهند.

نیروهای سرکوبگر رژیم همچنین برای جلب همکاری متنفذین و خصوصاً جوان‌های طوایف تأمین یافته به آنها قول همکاری برای رفع مایحتاج زندگی‌شان را داده و حتی اجازه حمل قاجاق بطور نیمه‌آزاد و آزاد را می‌دهند، به شرط اینکه در زمینه اقداماتی که در زیر نام برده خواهد شد، قبول همکاری نمایند.

الف - در داخل منطقه بلوچستان عملیات سرقت - آدم کشی و درگیری ساختگی برای نیروهای مخالف خصوصاً افراد سیاسی بوجود آورند و کلیه اخباری را که در منطقه به وقوع می‌پیوندد به آنها گزارش دهند.

ب - در خارج از کشور (پاکستان، افغانستان، کشورهای حاشیه خلیج) ضمن انجام عملیات سرقت، ترور، شناسایی مکان و محل زندگی افراد فراری و مخالف رژیم را انجام دهند. همچنین تمهید گزارش اخبار مربوط به وضعیت ایرانیان خارج شده خصوصاً بلوچ‌ها نیز جزو وظایف اینها قرار داده شده‌است.

آنچه که تا کنون مشاهده شده حکایت از عدم اعتماد نیروهای اطلاعاتی رژیم به کلیه بلوچ‌ها منجمله تأمین‌ها دارد. بطور مثال رژیم برای دادن پول و

به شرایط "نه جنگ، نه صلح"، از طریق صلحی پایدار باید پایان داد

بقیه از صفحه اول

در مدت ۹۵ روز آزاد کردند. در جریان مذاکرات اخیر و کمی پیش از آن هم ایران و هم عراق یکدیگر را متهم به موارد نقض آتش بس نمودند. عراق اعلام کرد که نیروهای ایران از طریق به آب بستن مناطق مرزی، باعث به زیر آب رفتن استحکامات دفاعی نیروهای این کشور شده و در رفت و آمد آنها اختلال پدید آورده است. جمهوری اسلامی نیز در خلال مذاکرات، بخاطر نقض ۲۱۴ مورد آتش بس توسط نیروهای ارتش عراق از آغاز برقراری آتش بس تاکنون به سازمان ملل شکایت برده است. رژیم ایران مدعی است که تنها در تاریخ ۲۳ تیر ماه الی ۲۱ مرداد ماه ۶۸، نیروهای ارتش عراق ۸۲ بار به نقض آتش بس اقدام کرده اند که در طی آنها دو سرباز ایرانی بشدت مجروح گردیده اند و یک نفر از افراد محلی توسط نیروهای عراقی به اسارت گرفته شده است. آنچه که مسلم است هم ایران و هم عراق در ماه های اخیر به تحركات نظامی علیه یکدیگر اقدام نموده اند. جمهوری اسلامی در اوایل ماه جاری در آب های خلیج فارس اقدام به انجام یک مانور بزرگ دریائی تحت عنوان "پیکان یک" نمود.

عراق مدعی گردید که در این مانور بر اثر حمله یک قایق توپدار ایرانی به یک پدک کش آن کشور یکی از خدمه آن به شدت مجروح گردیده است. در همین حال نیروهای زمینی ایران در منطقه جنوب دست به یک عملیات گسترده زدند. با وجود انجام عملیات دریائی "پیکان یک" در تهران بار دیگر اعلام شد که نیروی دریائی جمهوری اسلامی قصد دارد در اوائل ماه آینده در آب های دریای عمان و تنگه هرمز به مانور نظامی دست بزند.

عراق نیز در طی ماه های اخیر به تحركات نظامی در مناطق مرزی دست زده است.

باید گفت تحركات اخیر نظامی و موارد متعدد نقض آتش بس که از جانب طرفین انجام می یابد و تلاش هر دو رژیم به تجهیز هر چه بیشتر بنیه نظامی خود، در کنار برخوردهای غیر مسئولانه مقامات

دوررژیم نسبت به امر صلح و امنیت در مرزهای دو کشور و به بن بست رسیدن مذاکرات صلح خطری واقعی را گوشزد می کند. هر چند شعله کشیدن گسترده آتش جنگ غیر محتمل است اما وقوع اتفاقات پیش بینی نشده و درگیری های بزرگتر محلی که چشم انداز صلح را تیره تر خواهد کرد غیر محتمل نیست.

رژیم عراق سعی دارد از طریق نگه داشتن نیروهای خود در بخشی از خاک ایران و از طریق اعمال فشارهای سیاسی که نمونه جدید آن انتشار بیانیه وزاری اطلاعات کشورهای عضو همیاری خلیج فارس در به رسمیت شناختن حقوق عراق در تسلط بر اروندرود و شط العرب می باشد، بطور یک جانبه قرارداد الجزیره را باطل نماید. دولتمردان حکومت اسلامی نیز که سالها بخاطر "صدور انقلاب اسلامی" بر طبل جنگ تواتند از پیش برد یک سیاست واقعی صلح و ایجاد اعتماد و پشتیبانی نیروهای صلح دوست جهان عاجزند و همچنان سیاست ها و تفکر زمان جنگ بر عملکردشان سایه افکنده است.

باید هر دو رژیم ایران و عراق در اجرای تعهدات بین المللی و اجرای قطعنامه ۵۹۸ شورای امنیت سازمان ملل متحد زیر فشار قرار گیرند.

طرح پیشنهادی دبیر کل سازمان ملل مبنی بر عقب نشینی نیروها به مرزهای شناخته شده بین المللی در ظرف ۱۵ روز و مبادله اسرا در مدت ۹۵ روز و اجرای کامل قطعنامه ۵۹۸ شورای امنیت مبنای اعمال فشار بر رژیم عراق برای پذیرش آن است. دولتمردان حکومت اسلامی نیز بخاطر امتناع از مذاکرات مستقیم و بخاطر عملکردهای مبتنی بر "صدور انقلاب اسلامی" در برابر محکمه افکار بین المللی قرار دارند. نمی توان مدعی صلح طلبی بود ولی از تعیین نوع حکومت در کشور همسایه سخن گفت.

پذیرش و اجرای کامل قطعنامه ۵۹۸ شورای امنیت و احترام به معاهده های بین المللی منعقد بین دو کشور از جمله قرارداد ۱۹۷۵

راهی است که قادر است به وضعیت و خامتبار کنونی خاتمه دهد و پایان یافتن شرایط "نه جنگ نه صلح" و استقرار صلح و امنیتی با ثبات میان خلق های دو کشور را نوید بخش باشد.

"الجزیره" و احترام به حق تعیین سرنوشت برای خلقهای ایران و عراق و اختیار آزادانه آنها در تعیین نوع حکومت دلخواه خود و اعلام مرزهای دو کشور به عنوان مرزهای صلح و دوستی میان خلقهای ایران و عراق یگانه

خطر قتل عام همچنان زندانیان سیاسی زن را

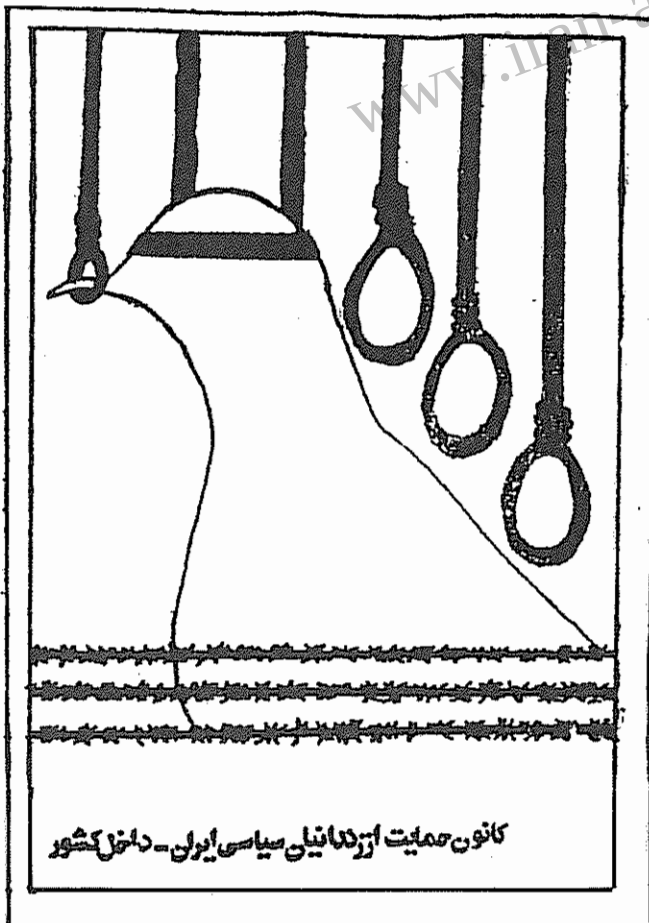
تهدید می کند

بقیه از صفحه اول

ملل متحد در سال داشته است. همچنین دولت اسپانیا در نتیجه فشار نیروها و محافل مترقی این کشور اعلام داشته است که حاضر است به زندانیان سیاسی زن که در زندان های رژیم اسیرند و در خطر اعدام قرار دارند پناهندگی سیاسی بدهد.

حکومت برلین فدری نیز در این رابطه پیشنهاد مشابهی داده است.

جان زندانیان سیاسی و از جمله ۸۱ نفر زن زندانی از ضرورت و اهمیت خاصی برخوردار است. در این ارتباط اخیرا انجمن دمکراتیک زنان هندوستان طوماری با امضای بیش از ده هزار تن از شخصیت های اجتماعی - فرهنگی و مردم این کشور نسبت به وقوع این جنایت هشدار داده و آنرا به کمیسیون حقوق بشر سازمان



کانون حمایت از زندانیان سیاسی ایران - داخل کشور

انتصابات جدید حکومتی

نامه "جرج بوش" به رفسنجانی

گیهان هوایی نشریه وابسته به حکومت اسلامی در شماره چهارشنبه ۲۴ آبان خود از قول یک نشریه کوییتی اعلام کرد که در چارچوب تلاشهای آمریکا برای بهبود مناسبات دیپلماتیک با جمهوری اسلامی ایران، "جرج بوش" رئیس جمهور آمریکا نامه ای خطاب به "رفسنجانی" ارسال داشته است.

گفته می شود مضمون نامه ارسالی "جرج بوش" به رفسنجانی، ستایش از مبارزه قاطع حکومت اسلامی با قاچاقچیان مواد مخدر و تقدیم کمک مالی جهت پیشبرد این "مبارزه" می باشد.

شرکت های سوئدی هم می آیند

بر اساس گزارش های انتشار یافته در استکهلم، یک هیات اقتصادی سوئدی مرکب از معاون اقتصادی وزارت امور خارجه این کشور و نمایندگان ۳۵ شرکت صنعتی تجاری طراز اول سوئد در اوئل آذر ماه به تهران می آید.

سفر اولین هیات اقتصادی سوئد به جمهوری اسلامی که جهت گسترش و استحکام مناسبات اقتصادی و تجاری این کشور با حکومت اسلامی صورت می گیرد، قرار بود فروردین ماه گذشته صورت گیرد که موضوعگیری همجهت سوئد با کشورهای اروپای غربی بر سر ماجرای سلمان رشدی نویسنده کتاب "آیات شیطانی" باعث شد تا این سفر به تعویق افتد.

سفر هیات اقتصادی دولت سوئد بدنبال سفر "پیرشاری" قائم مقام وزارت خارجه سوئد در ۱۷ مهرماه گذشته به تهران صورت می گیرد. در این سفر "پیرشاری" با حسن حبیبی معاون اول رفسنجانی دیدار و گفتگو کرد.

در این دیدار "پیرشاری" ضمن تمجید از حکومت اسلامی و "دمکراتیک" خواندن نظام حکومتی در ایران خواهان گسترش روابط و همکاری های دو کشور شده بود.

ناظران اقتصادی سوئد گسترش مناسبات اقتصادی خود با جمهوری اسلامی را بعثت ثبات و امکانات بالقوه ایران برای گسترش این مناسبات می دانند.

این ناظران اضافه نموده اند دلیل دیگر برای ترقیب به گسترش مناسبات اقتصادی با حکومت اسلامی، وجود ذخایر فنی زیر زمینی و تصمیم جدی مسئولان جمهوری اسلامی برای اجراء برنامه توسعه و بازسازی کشور پس از جنگ می باشد که کارشناسان اقتصادی سوئد را برای ورود به بازار ایران مشتاق کرده است.

اظهارات کارشناسان اقتصادی سوئدی در دلایل ترقیب شرکت های صنعتی تجاری سوئد به گسترش مناسبات با حکومت اسلامی بیانگر ماهیت فارتگرانه این شرکت ها و سیاست سران حکومت اسلامی می باشد که قصد دارند تحت عنوان سیاست بازسازی و برنامه توسعه، کشور را به خوان یقهای شرکت های انحصاری و فرامیلتی کشورهای امپریالیستی بدل سازند.

فهرستی
۲- رئیس سازمان خرید، احمد وحید دستجردی

۳- رئیس سازمان کامپیوتر، بهروز جراحی
۴- رئیس هیات مدیره و مدیر عامل شرکت سهامی مزرعه نمونه ارتش، مهندس سعید کاشفی فر

* در سازمان برنامه و بودجه؛ از سوی مسعود روحانی رفسنجانی معاون رفسنجانی و رئیس سازمان برنامه و بودجه، مهندس غلامرضا شافعی در سمت معاون امور تولیدی این سازمان را به سمت مشاور سازمان برنامه و قائم مقام وزیر جهاد سازندگی برگمارده شد.

* در وزارت جهاد سازندگی؛ محمد جواد ایروانی به سمت معاونت طرح و برنامه و قائم مقام وزیر جهاد سازندگی برگمارده شد.

* در وزارت نیرو مهدی تفضلی به عنوان رئیس هیئت مدیره و مدیر عامل سازمان آب منطقه ای تهران معرفی شد.

* در وزارت امور اقتصادی و دارایی همایونفر تفضلی به سمت مدیر کل صادرات و واردات گمرک تعیین شد.

انتصاب نمایندگان "ولی فقیه" در "شورای عالی امنیت ملی"

که در قانون اساسی به منظور تامین منافع ملی، و پاسداری از انقلاب اسلامی و تمامیت ارضی و حاکمیت ملی گنجانده شده "فراهم نماید".

خامنه ای در حکم "انتصاب" احمد خمینی ضمن تذکر به انجام وظیفه خود مطابق با اصل ۱۷۶ قانون اساسی به وی یادآور می شود که: "انتظار میرود که با شرکت فعالانه در حل مشکلات و تبادل نظر با اینجانب به پیشرفت های ماموریت های آن شورا کمک نماید".

در "شورای عالی امنیت ملی" علاوه بر افراد فوق، وزیران کشور، خارجه، دفاع و اطلاعات نیز عضویت دارند.

انتصاب سید احمد خمینی به سمت نماینده ولی فقیه در "شورای عالی امنیت ملی" ضمن اینکه تفویض یک امکان ویژه به جناح حزب الهی افراطی حکومت محسوب میشود تقلیل رسمی نقش و وزن "یادگار امام" در حد دیگر اعضای شورای عالی امنیت ملی که ریاست آن با هاشمی رفسنجانی است، نیز ارزیابی می شود.

زمان برگزاری انتخابات میان دوره ای مجلس اعلام شد

دور مجلس شورای اسلامی از ۲۴ لغایت ۳۰ آبان ماه جاری انجام خواهد شد.

نوری افزود: هم اکنون مجلس شورای اسلامی از ۲۷ نماینده ۹ نفر کم دارد که برای پر کردن جای خالی این نمایندگان در مجلس انتخابات میان دوره ای در تاریخ بیست و چهارم آذرماه آینده برگزار گردد.

سه شنبه هفته گذشته علی خامنه ای "رهبر" حکومت ملی نامه ای به رفسنجانی اعلام کرد که برای تکمیل و تقویت "شورای عالی فرهنگی" ولایتی، حسن حبیبی، مصطفی میر سلیم و حجت الاسلام محفوظی به نمایندگی از دفتر نمایندگان روحانی در دانشگاه ها به عضویت این شورا برگزیده می شوند.

رفسنجانی نیز طی هفته گذشته طی حکمی جلیل بشارتی را به سمت رئیس دفتر مناطق محروم منصوب نمود.

در همین هفته بنا به پیشنهاد وزیر کشور و بدنبال خانه تکانی های دولت رفسنجانی با تصویب هیئت وزیران، حمید حاجی عبدالوهاب به سمت استاندار کردستان، علیرضا تابش به سمت استاندار گیلان و علی نقی جهرمی به سمت استاندار همدان برگمارده شدند.

علاوه بر وزارت کشور، در دیگر وزارتخانه ها و سازمان های دولتی نیز تغییر سمت ها و انتصاب های جدیدی صورت گرفته است که مهمترین آنها عبارتند از:

* در وزارت دفاع و پشتیبانی نیروهای مسلح؛ از سوی وزیر دفاع این انتصابات صورت گرفت:

۱- معاونت آمار و امور صنعتی، تیمسار اکبر

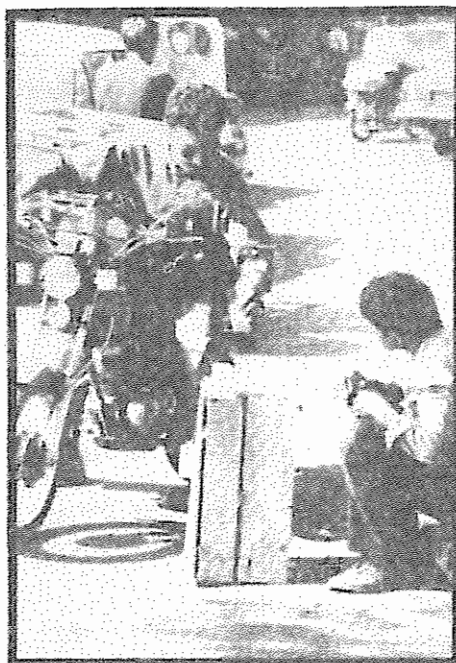
خامنه ای "ولی فقیه" حکومت روز دوشنبه ۲۴ آبان طی حکمی سید احمد خمینی و شیخ حسن روحانی را به سمت نمایندگان خود در "شورای عالی امنیت ملی" برای مدت سه سال منصوب نمود.

"شورای عالی امنیت ملی" یکی از موارد اصلاحی قانون اساسی جدید جمهوری اسلامی می باشد که در اسرارگان های امنیتی و دفاعی حکومت قرار دارد و دارای دو شورای فرهی است که یکی وظیفه تامین امنیت داخلی و دیگری وظیفه تامین دفاع خارجی را برعهده دارد.

مطابق اصلاحیه جدید قانون اساسی، ریاست این شورا بعهده رئیس جمهور می باشد و تصمیمات این شورا می بایست به تأیید "ولی فقیه" برسد. قبل از رفسنجانی در فرمان ۲۵ مهرماه خود ضمن انتصاب حسن روحانی به سمت مشاور خود در امور امنیت ملی و دبیر این "شورا" از وی خواستار گردیده بود که هر چه زودتر و با دقت هر چه تمامتر "مقدمات تکمیل این نهاد مهم را

نوری وزیر کشور اعلام کرد انتخابات میان دوره ای سومین دوره مجلس شورای اسلامی روز بیست و چهارم آذرماه آینده انجام خواهد شد.

وی ضمن اعلام خبر فوق گفت: تدارکات لازم برای برگزاری این انتخابات فراهم شده و ثبت نام کاندیداهای انتخابات میان دوره ای سومین



خیابان بورس سیگار و کوپن باطله

نشانده که اینک می بینیم .
فساد دامن گیر در دستگاههای دولتی و موسسات وابسته به دولت، بر ابعاد فلاکت افزوده است . اجناسی که امروز در بشاط دستفروشها یافته می شود، اغلب برای ارائه با قیمت دولتی تولید یا وارد شده اند و بعد، سر از بازار سیاه در آورده اند . یک سر باند هایی که دست اندرکار این انتقال سود، آور است، همیشه به وزارت بازرگانی و شرکت های تابع آن می رسد . بعنوان مثال در انبارهای این شرکت های دولتی که وظیفه بارگیری کالاهای وارداتی (برنج، شکر و...) در بنادر و مبادی ورودی و حمل و توزیع آنها را برعهده دارند، حجم روزافزونی از کالاها با سندسازی از کانال دولتی خارج می شود . تحت عنوان کم شدن طبیعی وزن برنج بر اثر کمبود رطوبت، گاه تا ۳۰ درصد از برنج نگهداری شده در انبارهای کنار جاده تهران - ساوه، گم می شود !

موارد انتقال رسمی کالاها از کانال دولتی به بازار سیاه هم کم نیست . شرکت دخانیات تحت عنوان "ترخ شکنی" بسته های سیگار تیر را ۱/۵ الی ۲ برابر قیمت رسمی می فروشد که البته به ۳ الی ۴ برابر قیمت دولتی به دست مصرف کننده می رسد . تا قبل از این "ترخ شکنی" آن بخش از سود بازاری بر بسته سیگار که با "ترخ شکنی" نصیب شرکت دخانیات می شود نیز به جیب واسطه ها می رفت . در هر مورد، قیمت سیگار یکی است . حتی بعد از "ترخ شکنی" دولت، در سر چهارراه ها سیگار به بهای بیشتری فروخته می شد .

مکان : میدان مولوی تهران .
زمان : همه روزهای غیر تعطیل .
دلایلی که اکنون دیگر همه او را می شناسند، انحصار سیگار فروشی در چهار ضلع میدان و خیابان های اطراف را دارد . ۴-۵ نفر را اجیر کرده است که در مکان همه روزه می نشینند، کارتون کوچکی را که جلد "باکس" های سیگار روی آن چسبانده است جلوی خود می گذارند و سیگار می فروشند . "رئیس" کارش این است که از این فروشندگان به آن فروشنده سر می زند و "حق" خود را می گیرد . اگر با تخمینی احتیاطاً میزان سهم او از فروش هر بسته را ۱۰ تومان بگیریم، شاید درآمدش ۱۰۰ برابر حقوق یک معلم باشد .

این پدیده ها، استثنایی نیست، برای اقتصاد ایران، قانونمند است . اقتصادی که قانون جنگل بر آن حکمفرماست .

شرافتمندانه، انسان را محکوم به محرومیت و گرسنگی می کند، طیف آنهایی که به خرید و فروش بعنوان منبع درآمد روی می آورند، بسیار گسترده است . از کودکی که بساط مختصر کبریت و آدامس و خودکارش را در پیاده رو پهن می کند گرفته تا صاحبان سرمایه های ده ها و صدها میلیون که به باجه جریان انداختن پول خود، سودهای کلان به جیب می زنند . در کشور ما، این پدیده با هدم تناسب بیسابقه ای میان درآمد حقوق و دستمزد بگیران از یک طرف، و سود سرمایه، هر چند هم که اندک باشد، از سوی دیگر، همراه شده است .

به اعتراف نوربخش، وزیر اقتصاد و دارایی کابینه رفسنجانی، مهمترین ریشه همه مشکلات اقتصادی جاری ایران، هزینه هایی است که جنگ هشت ساله برداشته دستگاه دولت گذاشت .

نوربخش اخیراً در یک گردهمایی اقتصادی در تهران گفت بخش عمده هزینه های جنگ از طریق "استقراض از سیستم بانکی" تامین شده است . ترجمه این گفته به زبان صریح، این است که دولت هملا بدون پشتوانه اسکناس چاپ کرده و به خرج جنگ رسانده است . حجم هظیمی از پول نقد وارد بازار شده، بدون اینکه مابه ازای مادی آن تولید شده باشد . تنگنای ارزی، باعث شد که حجم واردات هم نتواند به هیچ وجه با آهنگ رشد بادکنکی حجم پول نقد در بازار داخلی همراهی کند . این عوامل تورم زاء اقتصاد ایران را به روزی

ارائه به ستاد بسیج و سایر ارگان های دولتی می خواهند . همیشه، محفل ارائه این کوپن ها تا یک ماه پس از باطل شدن کوپن هاست : دلالت کوپن باطله، بهترین جار برای "فعالیت" خود انتخاب می کنند : در نزدیکی یا درست مقابل فروشگاه هایی که اجناس کوپنی دارند . چون از این اجناس در فروشگاه ها معمولاً خبری نیست، برای خریداری که گاه مسافت زیادی را طی کرده است، فروش کوپن حداقل به معنای "زنده کردن" قیمت آن است . به محض اعلام شماره یک کوپن برای یک جنس معین، تابلوهای دست نویس پشت شیشه فروشگاهها که "نداریم"، خریدار را قبل از ورود مایوس می کند . در عوض، پیاده رویهای همان اطراف را بدنبال همان جنس باید گشت . احتمال یافتن، کم نیست .

حالا دولت می گوید که می خواهد کاری کند که حداقل یکی از اقلام، یعنی ارز خارجی، از فهرست طولیل بورس خیابان حذف شود . این همان تدبیر در نیمه راه متوقف مانده و قیمت ارز، بعد از کاهش اولیه، دوباره به سطح پیش از ورود دولت به بازار آن رسیده است . اما حتی اگر بورس ارز از چهار راه اسلامبول به بانک های دولتی هم منتقل شود، دست اندرکاران خرید و فروش آن، نه به کار تولیدی روی خواهند آورد و نه از درآمدی که تا به حال داشته اند چشم خواهند پوشید . در جامعه ای که کار مولد و

" کوپن باطله
خریداریم... کوپن موهد
گذشته... " "تیر، وینستون،
مارلبوری خارجی... " "آقا بیا
موز بخر، موز داریم... " "دلار،
مارک هزاری، پوند انگلیس... "

خیابان های شهرها که یازده سال فلاکت اسلامی، گردو قبار رهاشدگی و ویرانی بر آن پاشیده است، بورس انواع و اقسام کالاهاست : کوپن باطله، سیگار، ارز خارجی، دارو، لوازم یدکی و خلاصه هر آنچه بکار آید . اجناسی که در مغازه ها یافت نمی شود، در پیاده رو فراوان است . گاه، دستفروش ها کالاهایی را که کسبه نمی توانند گران بفروشند، برای همان کسبه به قیمت های سرسام آور به خلق الله عرضه می کنند .

ویژگی های اقتصاد آخوندی، بر تنوع این بازار آشفته افزوده است . بورس کوپن باطله و ارز خارجی هم خیابان است . و بورس موزهای سیاه رنگی که طول آنها از ۱۰ تا ۱۵ سانتی متر تجاوز نمی کند و گاه دانه ای ۲۰ تومان بفروش می رسند . می گویند این موزها کشت اراضی جنوب است که سرمایه داران و مالکان بزرگ بعنوان یک کشت پر درآمد بدان روی آورده اند .

کوپن باطله، داستان خود را دارد . برنج و شکر و روغن و سایر مایحتاج عمومی جیره بندی شده، در بازار آزاد بفروش می رسد و عوامل توزیع، کوپن باطله را برای

«دیپورت»

نامه یک هموطن از جهنم خمینی گریخته

دیپورت آن لحظه جانگزا و حساسی است که احساس می‌کنی آوار قم و خستگی بر سرو رویت فرو میبارد. آن لحظه ایست که میدانی تمام درها به رویت بسته‌اند و در میان دو پلیس قلقتش پای پلکان هواپیما دوباره مسیر آمده را باید برگردی. انفجاری در درونت و بقضی میان گلو و سینه‌ات بالا و پایین می‌رود. اما دست‌هایت بسته است و چشم‌هایت را قم و سوال‌های جوراجور تر کرده است. بهر حال راه نهایی این است که با هزار حرف نگفته و قلبی مجروح و پایی خسته همراهشان سوار هواپیما بشوی.

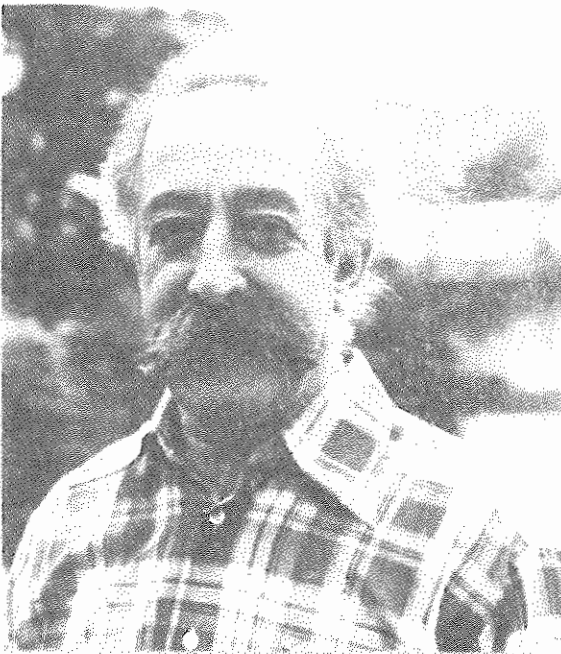
باری باتنگناها و مشقات بیشمار و روزهایی که هر لحظه‌اش جان را به لب رساند و روح را کاهید، پولی جمع کردم به امید آنکه از این جهنم دره - آتن که جز کار و سرکوفت و خستگی و تحلیل رفتن، ثمری نداشت - به جایی برگریزم که حداقل کتابی دست بگیرم و پشت میزی بنشینم. نقطه‌به

خاطر رویاهایم و تحصیل و ساختن آینده بهتر کشورم. پاسی خریدم، عکسش را عوض کردند. آنگاه دریافتیم که در فلان آژانس کسی هست که میتواند مرا از فرودگاه رد کند. برای سوئد هزار دلار و برای کانادا ۱۵۰۰ دلار. در فرودگاه پول را پرداخت کردم. ساکم را تحویل بار هواپیما دادم. بردینگ کارت را رابط برایم گرفت. از پاس کنترل و بقیه موانع رد شدم. رابط گفت که هواپیما «استاپ چنج» ندارد. در هواپیما می‌نشینم، ته دلم قرص است. به دانه‌ارک می‌رسیم. متوجه می‌شوم که هواپیما «استاپ چنج» دارد. آن هم چیزی بیشتر از یک ساعت. دلم فرو می‌ریزد. از خرطومی می‌گذرم. پلیس روشن پوست نگاه می‌کند. سیاهم می‌کند. پاسپورت و بلیط و بردینگ کارت را چک میکند. میدانم رنگ و رویم پریده است. بفهمی نفهمی پاهایم لرزش خفیفی دارند. سر انگشت‌های دستم یخ زده‌اند. به

خودم دل‌داری میدهم سعی می‌کنم نگاهم را از همه بدزدیم. لحظه‌ها چقدر کند می‌گذرند. دلشوره امانم نمی‌دهد: سرو کله مامور مخفی‌ای، کسی پیدا نشود؟ زمان می‌گذرد. صفحه تلویزیون دروازه ورود به هواپیما را مشخص می‌کند. بال در می‌آورم. هجله دارم. قلمم تند می‌زند. بردینگ کارت را میدهم و دوباره سوار هواپیما می‌شوم. هنوز هم آرامش ندارم. هواپیما بلند می‌شود تیک تاک ساعت با ضربان قلمم یکی است. نیم ساعت صبر می‌کنم. به توالت هواپیما می‌روم. با دست‌پاچی پاس و بلیط را پاره می‌کنم. سیفون می‌زنم پائین نمی‌روند. از دست‌هایم کمک می‌گیرم چند بار دیگر سیفون می‌زنم، کار تمام است. بر می‌گردم و سر جایم می‌نشینم و منتظر می‌مانم. اما ناگهان یادم می‌آید ساک و مدارکم در قسمت بار هواپیماست. قلمم به سختی می‌کوبد. چه پیش خواهد آمد؟ آیا ساکم مرا لو خواهد داد؟ آیا به خیر خواهد گذشت؟ دوباره ضربان قلمم بالا می‌رود. هواپیما به زمین سرد است کهلم می‌نشیند. همراه مسافران از خرطومی عبور می‌کنم. «پاس کنترل» ندارد. اما دوتا مامور مخفی کناری ایستاده‌اند. نگاهشان نمی‌کنم. اما

آنها متوجه من کله سیاه هستند. یگراست به کافه می‌روم. ده دلار خرد می‌کنم. یک قموه سفارش میدهم. به ساهتم نگاه می‌کنم! چهارشنبه ساهت ۱۵/۵ شب است. در سالن ترانزیت پرند پر نمی‌زند. یکی از مامورها چشم از من بر نمی‌دارد. به کارکنان بوفه چیزی می‌گوید. بر میگردند. نگاهم می‌کنند و می‌خندند. سیگار پشت سیگار دود می‌کنم. می‌خواهم آتندر لفتش بدهم تا پروازها قاطی شوند و نفهمند از کجا آمده‌ام. بطرف تلغن میدوم تا با دوستانم که سال‌هاست ندیدمشان تماس بگیرم. راه می‌افتم. مامورها از پشت سر صدایم می‌زنند. بر میگردم. نزدیک می‌شوند. سعی می‌کنم خونسردی خودم را حفظ کنم. پاس و بلیط می‌خواهند. ندارم. می‌گویند دنبالشان بروم. از پله‌ها پائین می‌روم. روی نیمکتی می‌نشینم. چندتا ایرانی دیگر هم هستند ولی کسی با کسی صبح نوبت به من می‌رسد. مترجم ایرانی نشسته و سئوالهایشان را ترجمه می‌کند. چه بگویم! بیش از چهار سال است آواره ترکیه و یونان هستم؟ در ایران جانم در خطر بوده است؟ نه اگر اسم ترکیه و یونان را ببرم کار خراب می‌شود. نمی‌دانم چرا

پایان یک زندگی سراسر مبارزه



حقوق کارگران خارجی و همزمان برای دمکراسی در ترکیه و حقوق خلق کرد مبارزه می‌کرد و بعداً در سنگر حزب کمونیست ترکیه و یکی از اعضای برجسته و شناخته شده فدارسیون اتحادیه خارجی ترک‌ها در آلمان (FIDEF) به فعالیت خود ادامه داد. در چندین حرکت اعتراضی و اعتصاب فذا که از طرف سازمان ما در شهر کلن آلمان فدرال برگزار شد قنبر همیشه به عنوان نماینده FIDEF شرکت می‌جست و به گفته خودش مهمترین و لذت بخش‌ترین کار برایش شرکت در مراسم نیروهای مترقی بود. بعداً از ابتلا به بیماری سرطان و آگاهی از مرگ قریب الوقوه‌ش، از مقامات رژیم ترکیه تقاضا کرد که به وی اجازه داده شود تا به وطن خود بازگردد و آنجا بمیرد ولی رژیم ضدانسانی ترکیه همچنانکه وی را از زندگی در میهن محروم کرده بود مرگ در موطن رانیز از

روز شنبه یازدهم نوامبر قنبر کاپلان مبارز و کمونیست تلاشگر ترک در شهر کلن آلمان فدرال درگذشت. بی‌شک برای کسانی که در محافل و حرکت‌های اعتراضی نیروهای مترقی و دمکراتیک حضور دارند، قنبر چهره آشنایی است. سیمای وی توصیفگر هرم واپهانی راسخ بود و صلابت چهره‌اش حکایت از استواری توده‌های زحمت در راه مبارزه بری آزادی و عدالت داشت. قنبر در اوایل سالهای ۶۰ به همراه اولین گروه کارگران خارجی از ترکیه به آلمان آمد. او به عنوان یک کارگر و فرزند پدر و مادری کرد، تجارب تلخی از مظالم و فشارهای گوناگون در ترکیه داشت. بعداً شروع به کار در آلمان بلافاصله به عضویت سندیکای فلزکاران آلمان (IG-metall) درآمد. او در صف اتحادیه سابق کارگران ترک در آلمان برای

و دوستدارانش از تشریفات اضافی خودداری کنند و به دوستانش توصیه کرد که به جای خریدن گل هزینه آنرا به حساب جنبش دمکراسی ترکیه واریز کنند.

او دریغ داشت. بالاخره این انسان پاک‌باخته و کمونیست ایثارگر در تاریخ یازدهم نوامبر در دیار غربت بدرود حیات گفت قنبر هنگام مرگ وصیت کرد که رفقا

اجرای کنسرت موسیقی ایرانی توسط گروه "عارف"، در اروپا

بقیه از صفحه آخر

کردند. برنامه کنسرت بعد از اجرای قطعه کوتاهی قطع گردید. در دانهارک نیز "گروه" در دو شهر برنامه داشت که در یکی از شهرها برنامه با استقبال وسیع هنردوستان بمدت یک ساعت اجرا گردید.

در استکهلم و کپنهاک پایتخت دانهارک برای تحریم کنسرت گروه عارف اعلامیه‌ها و بیانیه‌های متعددی صادر شده بود. برزیر برخی از آنها امضاء اتحادیه کمونیست‌ها - بخش سوئد، هیات موسس شوراهای پناهندگان ایرانی، هیات تدارک "شوراهای پناهندگان ایرانی در کپنهاک" و... دیده می‌شد. در این اعلامیه‌ها، اعلامیه درج شده در مطبوعات ایران که در آن ضمن تسلیت مرگ خمینی با خامنه‌ای "بیعت" شده و امضاء جمعی از

پیشکسوتان موسیقی ایرانی را نیز بر خود داشت، کلیشه شده و با استناد به جمله‌ای از اطلاعاتیه مزبور محمدرضا شجریان و دیگر کسانی که نامشان در زیر این اطلاعاتیه به چاپ رسیده بود، بعنوان "پاسداران دستاوردهای انقلاب اسلامی" خوانده شدند و در این راستا ضرورت تحریم کنسرت شجریان نتیجه گرفته شده بود. در کپنهاک پلیس نیز با پخش خبر احتمال درگیری در سالن اجرا، کنسرت اعلام کرد که قادر به حفظ نظم و از این رو موافق اجرای برنامه نیست.

جمعیت کثیری که برای شنیدن برنامه گروه عارف از راه‌های دور و نزدیک در محل جمع شده بودند، مخالفت خود را با سیاست تحریم اعلام داشته و آن را تحمیل اراده اقلیتی انگشت شمار به دیگران

مترجم حرفهای مرا قیچی می‌کند و اصرار دارد وابستگی سیاسی مرا بداند. و ساک. یکی از مامورها ساکم را می‌آورد. می‌پرسند، مال توست؟ چه بگویم راست یا دروغ؟ در ساک باز است و مدارکم آن توست. مال من است. روی ساک اتیکت آتن به چشم می‌خورد. مدارکم به انگلیسی ترجمه شده است. با آنچه راجع به خودم گفته‌ام مطابق است. دوتا پلیس می‌آیند و مرا به طبقه چهارم می‌برند. می‌گویند لباسهای رادر بیاور. تمام بدنم را میگردند. بعد با یک زیر پیراهنی در سلول انفرادی را رویم می‌بندند. زنگ می‌زنم و می‌گویم می‌خواهم تلفن بزنم. میگویند. فردا صبح از همان لحظه ورود تصمیم گرفتم اعتصاب غذا بکنم. بهشان می‌گویم. می‌خندند. شب را با کابوس‌های رنگ و وارنگ می‌گذرانم. تمام پنج‌شنبه را هم به همان ترتیب می‌گذرانم. نمی‌گذارند تلفن بزنم. اعتراض می‌کنم: باز می‌خندند. جمعه ظهر اجازه میدهند تلفن بزنم. آنطرف خط صدای آشنای یکی از رفقای قدیمی خوشحالم می‌کند. می‌گوید: میدانستیم اینجا جایی ولی اینجا می‌گفتند نه نیست. برایت وکیل گرفته‌ایم و تا یک ساعت دیگر آنجا ایم. نیم ساعت بعد صدای مترجم ایرانی شب اول را پشت تلفن می‌شنوم با تمسخر می‌گوید: میخواهند دیپورتت بکنند بهتره برگه دیپورت را امضاء کنی. با وکیل دوباره ملاقات می‌کنم میگوید: چیزی را امضاء نکن. یکساعت بعد پلیس گردن کلفتی می‌آید و می‌گوید، فردا شنبه ساعت ۹ صبح آماده باش، برمیگردی آتن. تمام شب راه رفتم و فکر کردم. صبح زود دوش گرفتم و صورتم را اصلاح کردم. بعد با وکیل تماس گرفتم. گفت نگران نباش. فقط چیزی را امضاء نکن ساعت ۸/۳۰ دقیقه پلیس‌ها آمدند. و سایلیم را تحویل دادند و سوار هواپیما شدم. تا آخرین لحظه پرواز هم امیدوار بودم اتفاقی بیفتد. ولی هواپیما پرواز کرد. میدانستم در آتن چند روز را باید در بازداشتگاه بگذرانم و بعد بروم دادگاه و ۴۰ - ۳۰ هزار در اخما جریمه بدهم و آزاد شوم و انگار در یکی از همین شبهای بازداشت و سرماخوردگی و گرسنگی و دیپورت بود که در خواب می‌خندیدم.

اکتبر ۸۹ آتن م. ب.

غزلی از حافظ

مانگوئیم بدو میل به ناک نکنیم

جامه دس سیه و دلخ خود از رق نکنیم

[]

رقم مقلطه بر دفتر دانش نکشیم

سر حق بر ورق شعبده، ملحق نکنیم

[]

هیب درویش و توانگر به کم و بیش بداست

کاربد، مصلحت آن است که مطلق نکنیم

[]

آسمان، کشتی ارباب هنر می شکند

تکیه آن به که بر این بحر معلق نکنیم

[]

شاه اگر در دی رندان نه به حرمت نوشد

التفاتش به می صاف مروق نکنیم

[]

گر بدی گفت حسودی و رفیقی رجید

گو: تو خوش باش که ما گوش به احق نکنیم

[]

حافظ! از خصم خطا گفت، نگیریم براو

ور به حق گفت، جدل با سخن حق نکنیم

دانستند آنان در سخنان خود همگی ابراز داشتند که "وای گرم سیاوش" را "مدیحه سرائی شوم جنایت"، کاروان موسیقی عارف را "پاران هنری امام" و سیاوش (محمدرضا شجریان) را "سفیر هنری" حکومت جنایت نمی‌دانند. مردم در مجموع کارگروه عارف را فریاد درد آشنایی می‌دیدند که درد ورنج، بیم و امید و زندگی مردم زجر کشیده‌ای را از خلال فریاد تصنیفی از مولانا حافظ‌پیان می‌کند. آنان ارتعاش هر سیم را حکایت جان شیدای خود و نواي هر نت را ترجمان درد و رنجی احساس می‌کردند که بر ملتشان می‌رود و شور امیدی را می‌شنیدند که به وجد و حرکتشان وامی‌دارد.

حرکت هقب مانده، ناخبر دانه و فیردمکراتیک جلوگیری از اجرا، کنسرت و سردادن شعارهای ضد حکومتی در آن همچنان که در کنسرت قبلی شجریان در شهرهای آلمان فدرال توسط برخی از هواداران مجاهدین خلق بدان مبادرت شده، از نظر سیاسی نیز بشدت مخرب است.

سردادن شعار علیه حکومت، انبوه ایرانیانی را که تقریباً تمامی‌شان به شدت از رژیم ضد مردمی و هنرستیز جمهوری اسلامی متفرند و تمامی وجودشان انزجار از تکبت این رژیم را فریاد می‌کند، در موقعیتی قرار می‌دهد که یا با شعار دهندگان همراهی کنند و از مقصود خود، شنیدن موسیقی اصیل ایرانی صرف نظر کنند و یا اینکه برای ادامه برنامه به اشکال مختلف: دست زدن، سکوت، فریاد، با شعار دهندگان مقابله کنند.

نتیجه از دید یک ناظر بیرونی اینکه: اقلیتی شعار مرگ بر رژیم می‌دهند و اکثریت حاضرین با آن

مخالفند
شرایطی که نیروها و سازمان‌های سیاسی اساساً بخاطر موقعیت سیاسی - اجتماعی کشور و نیز بدلیل اشتباهات خود، بویژه در خارج از کشور آماج حمله بخش‌هایی از روشنفکران هستند و تخم "سیاست گریزی" از باروری خاصی برخوردار است، اینگونه اقدامات مخموم و مخرب به شدت بر روان‌شناسی ایجاد بی‌اعتمادی به نیروهای سیاسی و سیاست گریزی موثر خواهد افتاد.

در برابر دمکراتیزاسیون آلترناتیو دیگری موجود نیست

خلاصه‌ای از نوشته گئورگی اکسل، عضو کمیته مرکزی حزب سوسیالیست کارگری مجارستان و مدیر موسسه علوم اجتماعی به نقل از مجله مسائل صلح و سوسیالیسم - این مطلب اندکی قبل از کنگره اخیر حزب سوسیالیست مجارستان و تصمیمات پراهمیت آن، نوشته شده است:

اگر تجارب اتحاد شوروی حل فوری مشکلات مزمن کشورهای عقب مانده را ممکن نمی‌کرد نمی‌توانست حمایت توده‌ها را کسب کند.

سیاست اقتصادی استالین واقعا روند صنعتی شدن را شتاب داد. تولید صنعتی دو برابر شد. مجارستان در مدت کوتاهی به یک کشور صنعتی - کشاورزی تبدیل گردید. این مدل در ابعاد معینی بدان منجر شده که اهداف اعلام شده سوسیالیستی مانند برابری اجتماعی و انقلاب فرهنگی بدست آید. در همان دهه اول پس از جنگ، تقسیم سابق جامعه به کاست‌های متضاد از میان رفت. جوشش اجتماعی شتاب خارق‌العاده‌ای گرفت. یکی از مشخصه‌های مهم این فرایند آن بود که بسیاری از کارگران و دهقانان (پیر و جوان) مشاغل راهبر سازمان‌های دولتی و اجتماعی را به عهده گرفتند. پیش شرط این کار فراهم شده بود. تحصیلات متوسطه، گرچه یک یا دو نسل پس از اروپای غربی، به طور همه جانبه همگانی شد. در سازماندهی وضعیت مدارس عالی موفقیت‌هایی بدست آمد. تعداد دانشجویان ده برابر شد. در این خصوص نکته جالب توجه آن است که سهم فرزندان کارگران و دهقانان که قبل از آن هلهیچ‌گونه امکانی برای ورود به مدارس عالی نداشتند، افزایش یافت.

اما این دستاوردهای تاریخی از همان ابتدا با نقطه نظرانی منفی همراه شد که به تدریج نیرومندتر شده و تکامل را ترمز کرده آن را تلب ماهیت داد. هدایت سفت و سخت اقتصاد از بالا که بر طرح "انباشت بدوی سوسیالیستی" مبتنی بود، رشد بوروکراتیک را

هلت این امر باید در برهم خوردن ائتلاف ضد هیتلری جستجو شود. جنگ سرد جایگزین همکاری قدرت‌های بزرگ شد. جنگ سرد مجدداً خطر یک درگیری مسلحانه را در اذهان بیدار می‌کرد.

دو فرایند موازات هم جریان داشت: در غرب و جنوب اروپا، احزاب کمونیست از حکومت‌ها بیرون رانده شدند و در شرق رود الب، احزاب دمکراتیک - بورژوازی کنار گذاشته شدند و در مجارستان این کار به شیوه استالینی - با تکیه بر زور - انجام گرفت. متأسفانه رهبری حزب، که در راس آن ماتیاش راکوزی قرار داشت، این روش را با اشتیاق اخذ کرد. این رهبری در مقابل هر آن چیزی که با اصول ایدئولوژیک مورد قبول وی مطابق نبود رفتاری تنگ نظرانه داشت و کمر به از میان برداشتن احزاب اپوزیسیون بست. در سال ۱۹۴۸ گذار به سیستم تک حزبی، که قرار بود با مدل سوسیالیسم استالینی مطابقت کند، آغاز شد. رهبری حزب فعالانه تلاش کرد به سیستم تک حزبی گذار شود. حتی سوسیال دمکرات‌های چپ و کادرهای برجسته جنبش کمونیستی مجارستان، که از تبعید در کشورهای غربی بازگشته بودند (منجمله یانوش کادار) تحت فشار و آزار قرار گرفتند. در سال ۱۹۵۳، پس از "کشف" یک "توطئه صهیونیستی" در شوروی، در مجارستان نیز ترسیم "مورد" مشابهی شروع شد.

سیستم اقتصادی شوروی نیز نسخه برداری شد. بهیچ‌وجه پیشبرد چنین سیستمی با وسایل نظامی و سیاسی مشکل نبود. اما

منطق انقلاب دمکراتیک خلقی با احزاب مختلفی همکاری می‌کردیم. دولت ائتلافی توانایی و اثربخشی خود را ثابت کرد. در سیاست خارجی، مجارستان نیز توافق داشت که اروپا، بر اساس موافقت‌های قدرتهای پیروز در جنگ، هدایت شود. احزاب ائتلافی این اصل را قبول کردند اما هر یک از این احزاب سعی میکرد منطق بر پایگاه اجتماعی خود پشت جبهه و پشتیبان پیدا کند و چهارچوبی را که مشروط به اوضاع آن دوره بود گسترش دهد (یا تنگ نماید). شرایط خارجی به آن منجر شد که اعتبار حزب کمونیست مجارستان به مثابه نیرویی متعلق به جنبش بین‌المللی کمونیستی به رهبری اتحاد شوروی، افزایش یابد. بنابراین این حزب قادر شد در ائتلاف دولتی نقش مهمتری از آنچه با نفوذ واقعی آن در میان توده‌ها منطبق بود، ایفا کند.

اما تکامل کشور از خارج تعیین نمی‌شد. مسائلی که صدها سال بر هم انباشته شده بود بشکل واقعا دمکراتیک حل می‌شدند و به همین خاطر نیروهای ائتلاف حکومتی و جناح چپ آن در میان مردم پشتیبانی واقعی کسب می‌کردند. کمونیست‌ها و سوسیال دمکرات‌ها در همه مسائل اصلی مبارزه اجتماعی و سیاسی و ساختمان جامعه اتفاق نظر داشتند. این دو حزب سیاسی طبقه کارگر قدرت عظیمی در اختیار داشتند. این مهم، نقش تعیین کننده‌ای در اوضاع پایتخت و سایر مراکز صنعتی داشت.

گذار بدون واسطه به ساختمان سوسیالیسم در نیمه دوم سال ۱۹۴۷ در دستور روز گذاشته شد.

مشخصه دوران ما این است که برخی احزاب کمونیست در جستجوی امکانات نوسازی سوسیالیسم، تاریخ خود و تجاربی که به هنگام ساختمان سوسیالیستی انباشته شده‌اند را مورد بررسی انتقادی قرار داده‌اند. چنین تلاشی هدفی خودانگیزه و یا مد روز نیست بلکه از ماهیت یک حزب انقلابی نتیجه می‌شود. اما این تلاش ابدیه طور خودبخود پیش نمی‌رود بلکه در مبارزه‌های حاد، راه خود را هموار می‌کند. ما در ابعاد معینی زندانیان تاریخ گذشته خود هستیم. بعلاوه در بررسی دوران کنونی نیز تاکنون با تردید پیش رفته‌ایم. بر اثر دو عامل فوق مسائلی که حیات جامعه را با دشواری مواجه می‌کنند و توانایی ما را برای پیش‌بینی به موقع روند تحولات و انجام واکنش مقتضی محدود می‌نمایند، بر هم انباشت می‌شوند.

ما در مجارستان روند دگرگونسازی در اتحاد شوروی، تجزیه و تحلیل شجانه تجارب تاریخی و طرح‌ها و تدابیر مشخصی که هدف خود را از بین بردن مدل استالینی جامعه و ارتقا این مدل به مرحله‌ای کیفیت‌ناوین قرار داده‌اند، با هلاقه تصادفی دنبال می‌کنیم. این هلاقه تصادفی نست زیرا ما نیز به مانند آنها در تلاش ایجاد یک سوسیالیسم دمکراتیک و انسانی هستیم. با وجودی که دوران نسخه برداری سپری شده است مفید می‌دانیم که تجارب روند دگرگونسازی در شوروی را با پراتیک نوسازی در مجارستان مقایسه کنیم. نخستین موفقیات و اشتباهات

کمونیست‌های مجاری در همان نخستین روزهای پس از آزادی مجارستان از فاشیسم، مجریان دگرگونسازی دمکراتیک و خلقی و ساختمان دوباره اقتصاد ویران شده ناشی از جنگ، بودند. کشور مادر آن دوره مرحله حقیقتا والای تاریخ خود را می‌گذراند. استراتژی بعد از جنگ شوروی بر ادامه تحکیم همکاری با متحدین خود در مبارزه علیه هیتلر استوار بود و بنابر این اثر ترمز کننده‌ای بر آن دسته از احزاب کمونیست و رهبران آنها (مثل تیتو) که خواهان گذار بی‌واسطه به دیکتاتوری پروتاریا بودند، ایفا میکرد. حزب ما تلاش می‌کرد همه نیروهای سیاسی را که واقعا خواهان استقرار یک دولت نوین بودند متحد کند. ما بر وفق

تقویت کرد. نظامی اداری و فرماندهی ایجاد شد که بوسیله آن دستورات گروه رهبری (نه مسئولین ارگان های حزبی) به سازمان های حزبی و نیز همه اجزای دستگاه دولتی و سازمان های اجتماعی، که هرگونه استقلالی را از دست داده بودند، صادر می شد. این سیستم و روش هایی که جهت بسیج توده ها بکار می رفت خود را برای پیشبرد "اراده مطلق" ارگان های مرکزی ناکافی نشان داد و غیر از این هم نمی توانست باشد. بهمین دلیل به قهر (قانونی و غیر قانونی) متوسل شدند. محاکمات، محاکمات انضباطی و ارباب در دستور روز قرار گرفت. بیش از ۱۰۰ نفر اعدام شدند، صدها نفر زندانی و بیش از ۵۰۰۰ نفر به اردوگاه ها منتقل شدند و ۱۵۰۰۰ نفر اخراج شدند. بیش از نیم میلیون مردم ساکن روستا در رنج و هذاب بودند. همه اینها در دوران حکومت راکوژی اتفاق افتاد. مردم سال های طولانی تلخ کام شدند و امیدهای آنان به یاس بدل شد. قدرت سیاسی و جامعه از یکدیگر جدا شدند. این امر حاصل کاربرد روش های اداری و فرماندهی مطلقه بود.

موقعیت های بر باد رفته

در همان سال ۱۹۵۲ اوضاع ناامید کننده قابل رویت شد. بر اثر دگرگونی هایی که در اتحاد شوروی پس از مرگ استالین پدید آمد، امکان فلبه بر ناهنجاری ها میسر شد.

اماراکوژی حتی پس از بیستمین کنگره حزب کمونیست اتحاد جماهیر شوروی، با حل مشکلاتی که سر بر آورده بودند، مقابله می کرد. او در ژوئیه ۱۹۵۶ برکنار شد. اما جانشین او، ارنگو نیز کمتر از راکوژی در روش سیاسی سابق دخیل نبود. در این بین در بدنه، جستجوی خودانگیخته راه های تکاملی نو بسیار از چارچوب قدم های مرددانه و متناقض رهبری حزب فراتر می رفت. نیاز به دگرگونی، خود را در اشکال ساده، اما بسیار موکدانه نشان داد. مردم هر بند برنامه هایی را که انتشار می یافت به دقت مطالعه می کردند و مطالبات گروه های کوچک مختلف روشنفکران را که هر دم با صدای بلندتر بیان می شد، دنبال می کردند. توده ها به لحاظ سیاسی فعال شدند. آنها هنوز تصورات روشنی نداشتند، اهداف و مقاصد متفاوتی را تعقیب می کردند اما کاملاً مصمم

بودند به تحولاتی در راه بهتر شدن دست یابند. تحت تاثیر این "انفجار" سیاسی، حزب نیز منشعب شد. کمونیست هایی که طالب نوسازی بودند با رهبری محافظه کار، که قادر نبود از روش های کهنه که برای وی غیر قابل تغییر می نمود دست بردارد، مقابله کردند. پیشاهنگ توده ها فلج شده بود. در روز ۲۳ اکتبر ۱۹۵۶ در بوداپست یک میتینگ توده ای برگزار شد و در فروب همان روز خیزشی علیه حکومت برخاست. امروز از نو، درباره خلعت و سمت و سوی این خیزش مباحثه می شود. آیا قیام مردمی بود یا خیزش نیروهای ارتجاعی که خلق را گمراه کرده و به خیابان ها کشاندند؟ در تظاهرات توده ای فروب ۲۳ اکتبر خواست نوسازی سوسیالیسم و اصلاحات دموکراتیک بنیانی فرا دست بود. در همین حال در طول دو هفته بعدی نیروها و اهداف گوناگون دیگری طرح شدند. این یکی ها خواهان نوسازی بودند، دیگران خواهان برگشت به قدرت دموکراتیک خلقی، به شکلی که پس از سال ۱۹۴۵ مستقر شده بود، شدند. هواداران رژیم کهنه که ۱۰ سال قبل از آن سرنگون شده بودند نیز دوباره بسیج شدند. در کنار مطالباتی دال بر حفظ مالکیت اجتماعی و پیوند دموکراسی و سوسیالیسم، تلاشهایی نیز جهت نادیده گرفتن واقعیت های پدید آمده در اروپای مرکزی و شرقی وجود داشت.

جدائی از استالینیزم

من، به عنوان یک شرکت کننده فعال در بسیاری رخداد های با اهمیت سی سال گذشته، از دستاورد تاریخی حزب سوسیالیست کارگری مجارستان این را می دانم که ضمن حفظ دستاوردهای سوسیالیستی، خشن ترین ناهنجاری های سال های ۵۰ از میان برداشته شد. یک پراتیک مستقل مجاری تکامل سوسیالیسم بوجود آمد. تجارب ما طبیعت خود ویژه دارند و مدلی جهت تقلید دیگران نیستند. همده ترین خصیصه های این تکامل هبارت از آن بود که حزب سوسیالیست کارگری مجارستان انحصار قدرت خود را شل کرد، هدایت اقتصادی را مدرنیزه و زندگی اجتماعی را دموکراتیزه کرد و بوسیله سیاست اتحاد های خود پشتیبانی وسیعی در میان مردم بدست آورد. حزب سوسیالیست کارگری مجارستان و دولت در همان سال

۱۹۵۷ یک سری اصلاحات را آغاز کردند. تدوین تزه های حزب در خصوص سیاست کشاورزی اهمیت بزرگی داشت. سیاست اقتصاد روستایی با این تزه پایه نوینی کسب کرد. دگرگونی اقتصاد روستا به تدریج بر پایه انتخاب داوطلبانه انجام شد. مدل مخصوصی بوجود آمد که تولید انبوه تعاونی را بطور موفقیت آمیز با اقتصاد خانوادگی فردی پیوند داد. رفهم نتایج خوبی حاصل کرد. بخش کشاورزی به یک بخش اقتصادی راهبر و قادر به رقابت تبدیل شد.

ح. س. ک. م. توجه ویژه ای به ایجاد یک ساختار اقتصادی سوسیالیستی مدرن مبذول داشت.

بر اثر کاربست سیستم جدید هدایت اقتصاد ملی در سال ۱۹۶۸ موسسات اقتصادی حقوق همه جانبه کسب کردند. در همین حال کوشش شد روابط بازار گسترش یافته و نقش آن افزایش پیدا کند. اما این روند محدود ماند. بیش از همه بخاطر آنکه روبروی سیاسی تغییر پیدا نکرد.

رفهم بر اثر نگرانی های معین ایدئولوژیک و دگم ها و تصورات کهنه ترمز شد. البته می باید مشکلات اجتماعی و اقتصادی که در هنگام تغییرات، گرچه نه ایجاد اما تشدید میشدند، مد نظر قرار می گرفت. درست بهمین خاطر می بایست به موقع نسبت به حل این مشکلات اقدام می شد و وخامت مجموعه اوضاع اقتصادی پیش بینی میگردید.

مشخصه نظام سیاسی در آن سالها به طور همده گسترش استقلال همه نهادهای آن بود. قانونی درباره امکان اتخاذ مواضع مستقل توسط شوراها، تصویب شد. بر اثر تصویب دو قانون درباره انتخابات، شرایط انتخابات دموکراتیک تر شد. حزب بلحاظ اصولی این تزه را که سازمان های اجتماعی باید نقش واسطه جهت انتقال نیروی حزب را ایفا کنند نفی می کرد. اما در عمل کار این سازمان ها را کنترل می نمود زیرا از آن بیم داشت که کمونیست ها از رهبری و مردم از حزب کنده شوند. بطور خلاصه، به هنگام تعمیق دموکراسی موفقیت های واقعی، اما محدود، پدید آمد.

نگرانی نسبت به آینده

تحولات اقتصادی جهان در سال های ۸۰ نه فقط بر زندگی اقتصادی کشورهای سرمایه داری بلکه بر زندگی برخی کشورهای

سوسیالیستی نیز تاثیر گذارده است. برای آنکه بتوانیم به ملزومات دوران خود پاسخ گویم باید آن عواملی را که مانع کشورهای ما جهت انطباق موثر با واقعیت های نوین بین المللی می شوند تجزیه و تحلیل کنیم. بعبارت دیگر باید توضیح دهیم چه چیزی دچار بحران شده است - سوسیالیسم یا یکی از مدل های آن. به اعتقاد حزب ما سوسیالیسم در بحران بسر نمی برد بلکه نظامی که امروز استالینیزم نامیده می شود دچار بحران است. مشخصه های این نظم روشن است اما لازم است دوباره یادآوری کنیم که ما می خواهیم در مجارستان خود را از چه چیزی رها کنیم. قبل از هر چیز از این توهم باید رها شویم که گویا ممکن است سوسیالیسم را در کشورهایی که خود را از جهان سرمایه داری منزوی کرده اند، بنا کرد. سپس باید اندیشه ایجاد یک "سیستم جهانی اقتصادی سوسیالیستی" را کنار بگذاریم. ضمناً از این عقیده خلاصی یابیم که می توان اقتصاد را از یک مرکز واحد هدایت کرد. بعلاوه از تعبیر ساده مالکیت سوسیالیستی به شکل مالکیت دولتی دست برداریم. بالاخره باید از آن مدل سیاسی که بر نظام تک حزبی استوار است و بجز حزب کمونیست هیچ حزب و جنبش اکثرانیو و سازمانی را برسمیت نمی شناسد، رهایی یابیم.

مجارستان پس از سال ۱۹۵۶ قدمهای قاطعی جهت رهایی از استالینیزم برداشت. اما تحولات تاریخی تنها اخیراً زمینه دگرگونی های نظام سیاسی، پایه های ایدئولوژیک آن و برخورد به مسائل بین المللی را مهیا کرده است.

امروز مشکلات اقتصادی، حادترین مشکلات بحساب می آیند. در کشور ما به هلت سمنگیری یکجانبه بسوی کشورهای عضو همیاری اقتصادی، ساختاری تولیدی و مکانیسمی ایجاد شده است که با نیازهای امروز منطبق نیست و برای مشارکت موثر در تکامل جهان نامناسب است. همانطور که ذکر شد، ما در سال ۱۹۶۸ این وظیفه را در برابر خود قرار داده بودیم که قدم به قدم به اقتصاد بازار گذار کنیم. اما این روند ترمز شد و در اوایل سال های ۷۰ کاملاً متوقف شد. روندهای بین المللی نیز که بعضاً با نمودهای رکودی فزاینده در اتحاد شوروی مرتبط بود بر رفهم تاثیر داشت. سیر نزولی سیاست اصلاحات در سال ۱۹۷۸ به

در برابر دمکراتیزاسیون...

بقیه از صفحه ۹

پایان رسید. اما در این مقطع بدهی‌های خارجی به میزان قابل توجهی افزایش یافته بود، توانایی رقابت برخی محصولات سنتی مجارستان کاهش یافته بود و ... تدابیر "جبران خسارات" نتایج دلخواه را ببار نیاوردند. این تدابیر فقط مقطعی و نیمه کاره بودند. تصمیم سال ۱۹۸۴ کمیته مرکزی حزب سوسیالیست کارگری مجارستان دال بر ایجاد یک اقتصاد مختلط کیفیتا نو و مبتنی بر مکانیسم‌های بازار نیز تغییرات مهمی را به بار نیاورد. پیش‌شرط‌های سیاسی این تغییرات فراهم نبودند. موقعیت مناسب جهت تداوم رفرم‌های رادیکال تازه پس از کنفرانس حزبی سال ۱۹۸۹ بوجود آمد. قانون جدیدی برای اتحادیه‌ها و انجمن‌ها پذیرفته شد. امکانات استفاده از سرمایه‌های خارجی افزایش یافت، سیستم بانکی متحول شد و دگرگونی بودجه دولتی و سایر تدابیر در دستور روز نهاده شد. یکی از موانع پیشرفت اقتصادی کشور بارآوری پایین موسسات اقتصادی دولتی است. اکنون راه‌هایی جهت افزایش این بارآوری جستجو می‌شود. مثلا از طریق تمویل تملک دولتی به شرکت‌های سهامی و تعاونی. ایجاد یک اقتصاد مختلط البته مشکلاتی به همراه دارد. تدابیری که اتخاذ می‌شوند اغلب مورد پذیرش نیستند زیرا بر زندگی زحماتشان تأثیرات منفی می‌گذارند. جامعه مجبور می‌شود برای مدتی، بحران، ورشکستگی واحدهای اقتصادی، بیکاری و مشکلات اجتماعی مرتبط با آن را بجان بخرد. چنین مشکلاتی اجتناب ناپذیرند اما باید از قبل آماده باشیم که راه سالم‌سازی اقتصاد را فیر قابل بازگشت کنیم. بدرستی گفته می‌شود که امروز اوضاع اقتصادی ما بویژه بفرنج است اما اوضاع سیاسی نیز متشنج است. اکنون اثبات شده است که تحولات اقتصادی بدون تحولات سیاسی فیر قابل انجامند. در مجارستان از سال‌های ۶۰ به اینسو امکان فعالیت جنبش‌های مستقل از ارگان‌های قدرت موجود بود. سازمان‌های اجتماعی از اوایل سال‌های ۸۰ تلاش کردند، از زیرقیه‌میت بیش از اندازه خارج شده و مطالبات اکثراتیو طرح کنند. برخی انجمن‌های اطلاعاتی خصلت سیاسی می‌پذیرند. مدل سنتی دیگر با معیارهای حفظ ثبات

و کمال اجتماعی در انطباق قرار ندارد.

با ایجاد سازمان‌های سیاسی جدید و تشکیل مجدد برخی احزاب سابق (نظیر حزب مستقل خرده مالکین و حزب سوسیال دمکرات، که پس از سال ۱۹۴۵ در ائتلاف حکومتی مشارکت داشتند) سیستم تک حزبی سابق هملا به گذشته تعلق گرفت. اما هنوز یک سیستم چند حزبی کارا و از نقطه نظر حقوقی تنظیم شده وجود نداشت. این سیستم با تصویب اخیر قانون سازمان‌های اجتماعی هملا مشروعه‌یت پیدا کرد. در چارچوب این شرایط موقعیت و نقش ح. س. ک. م. نیز تغییر می‌یابد.

حزب ما بر آنست تعریف نوینی از رابطه خود با جامعه و دولت ارائه دهد. این حزب تصمیم دارد در آینده نیز برنامه تکاملی خود را در میان مردم اشاعه دهد اما از هدایت مستقیم نهادهای دولتی خودداری کند. ما بر این عقیده‌ایم که فعالیت سازمان‌های سیاسی به خودی خود هماهنگ می‌شوند. بنابراین مفید خواهد بود که یک حکومت ائتلافی تشکیل دهیم تا کشور را از بحران خارج کند و اصلاحات دمکراتیک را جهت تضمین تکامل سوسیالیستی به انجام رساند.

رهبری حزب در پلورالیسم سیاسی پیش شرط مهمی برای گسترش دمکراسی مشاهده می‌کند اما این پلورالیسم را به سیستم چند حزبی محدود نمی‌سازد و آن را برای توسعه دمکراسی کافی نمی‌داند. در این خصوص تشمت معینی وجود دارد. برخی از کمونیست‌ها که درباره آینده سوسیالیسم نگران‌اند از توسعه یک سیستم چند حزبی دچار دلواپسی شده و بیم از دست دادن قدرت را دارند.

ضرورت رفرم اجتماعی، از جمله به این خاطر که در شرایط پیچیده‌تر شدن فرایند روندهای اجتماعی، امکانات حقوقی و فردی مردم محدودند، نضج گرفت. حدود ۴۰ درصد مردم مجارستان جز، اقشار کم درآمد محسوب می‌شوند. حدود ۵ الی ۶ درصد "تشر برتر" را تشکیل می‌دهند و ۷۵ درصد به "تشر متوسط" تعلق دارند. اما موقعیت گروه بزرگی از انسان‌ها - حدود ۱۵ درصد جمعیت کشور - می‌تواند وخیم شود. بنابراین اصلاحات رادیکال در مرصه اجتماعی دارای ضرورت فوری است. اما یافتن وسایلی جهت انجام این اصلاحات آسان نیست زیرا اصلاحات، قبل از همه، برای تکامل اقتصاد ضروریست.

بعلاوه سیاست رفرم اجتماعی اغلب با برنامه تعقل‌گرایی اقتصادی در تضاد قرار می‌گیرد. در حالی که رفرم اجتماعی قصد دارد اختلافات و نابرابری‌های اجتماعی را از میان بردارد، تعقل‌گرایی بر آن است که اصل توزیع را بر مبنای محصولات تولیدی پیش ببرد و بنابراین به سرمایه‌گذاریها وابسته است. بنابراین لازم است در مسیر افزایش کارایی اقتصاد ملی راه‌هایی جستجو شود که نتایج ناخواسته را حتی‌المقدور تقلیل داده، بیش از حد به اختلاف در مالکیت میدان نداده و امکانات واقعا برابر برای همه اهالی فراهم کند.

مشکلات اجتماعی با بحران ایدئولوژیک بسختی گره خورده است. این گره خوردگی بی‌تردید با تعبیر ساده از سوسیالیسم و تاخیر در نوسازی معنوی مرتبط می‌باشد. البته همل این بحران دارای جنبه‌های گوناگون است و هملی القاعده متکابلا مشروط و در پیوند با همدیگر. بر این اساس، این واقعیت که در سیستم سابق هدایت جامعه، مسئولیت شکست‌های اقتصادی و مسئولیت تعویق تصمیمات ضرور، کاملاً صوری بود، نارضایتی از مقامات را سبب می‌شد. رفرم در این سیستم پیش‌شرط همده قلبه بر بحران اعتماد است.

در روابط رهبری حزب و اکثریت اعضای آن بیگانگی معینی پدید آمده است. اغلب کمونیست‌ها از اینکه آنها را بخاطر خطا در سیاستی که خود در تدوین آن هیچ نقش مستقیمی نداشته‌اند، مسئول قلمداد می‌کنند، عصبانی هستند. بنابراین توسعه هلنیت و دمکراسی در حزب، قابل تاخیر نیست. ماسمت تعیین کننده اصلاح سیستم سیاسی را در همین می‌بینیم. به عقیده ما حتی اگر بر مشکلات اقتصادی و سایر مشکلات هنوز قلبه نشده است، نوسازی حزب بر پایه‌های دمکراتیک به آن منجر خواهد شد که یک اتفاق نظر گسترده میان نیروهای نوسازی حاصل شود.

قلبه بر نمودهای بحران یک روند طولانی، بفرنج و پر درد است. خطر تلاش‌های افراطی و کوشش جهت یافتن بیراهه‌ای بسوی "سرمایه‌داری خوب" وجود دارد. در این ارتباط مشکلات اقتصادی، اجتماعی و انسانی جامعه سرمایه‌داری پرده پوشی و در همین حال دستاوردهای سوسیالیسم نادیده گرفته می‌شود. این فقط برای حزب

هشدار دهنده نیست. در سایر نیروها نیز نگرانی مشاهده می‌شود. بخصوص آن نیروهایی که سروکارشان با تضمین نظم همومی است.

ما امیدواریم مباحثه‌ای که به جریان افتاده زمینه‌های ایجاد پایه‌های ایدئولوژیک یک مدل نوین ساختمان سوسیالیسم را فراهم کند. امروز مسائل زیر پیش از همه جامعه مجارستان را به حرکت وامیدارد:

- چه چیزی را باید از گذشته خودو تجارت سایر کشورهای سوسیالیستی حفظ کنیم و چه چیزی را باید از سوسیال دمکراسی اخذ نماییم؟

- چگونه می‌توان به گرایشات نوین بین‌المللی پاسخگو بود؟ در چه چارچوبی انجام آزمایش و ریسک، بدون ایجاد مشکلات جدید، مقدور است؟

- ما چگونه حزبی می‌خواهیم باشیم: یک حزب کارگری یا یک حزب خلقی؟ پایه اجتماعی حزب در مجارستان پایان قرن بیستم چه سیمایی خواهد داشت؟

- آیا دمکراسی و پلورالیسم سیاسی همسان‌اند؟ چه امکاناتی برای خودگردانی اجتماعی و دمکراسی بی‌واسطه موجود است؟

- نقش راهبر ح. س. ک. م. در چارچوب شرایط نوین چگونه تغییر می‌کند؟ به چه قیمت می‌توان این نقش را حفظ کرد؟ چه امکاناتی برای یک ائتلاف چپ وجود دارد و در سیاست اتحادها چه چیز نوینی پدید خواهد آمد؟

- چگونه می‌توان بر بحران اقتصادی قلبه کرد و مطالبات متضاد مدرنیزه کردن اقتصاد ملی و تضمین ثبات اجتماعی چگونه می‌تواند هماهنگ شود؟ چگونه می‌توان به اقتصاد بازار گذار کرد و روابط کارسازی میان مالکیت دولتی، تعاونی، خصوصی و مالکیت خارجی ایجاد نمود؟ چگونه می‌توان نسبت به واقعیت‌های بین‌المللی نوین هکس‌العمل نشان داد - با مکانیسم‌های دولتی یا بازار؟

نوسازی جامعه، حزب سوسیالیست کارگری مجارستان را در برابر مشکلات سختی قرار می‌دهد. در برابر وظایفی که ناشناخته‌های بسیار دارد. اما برای حل این مشکلات و وظایف برای کمونیست‌ها فقط یک راه وجود دارد - تلاش برای آنکه رفرم‌ها به یک سوسیالیسم انسانی و دمکراتیک رهنمون شوند. در برابر این روند اکثراتیو دیگری موجود نیست.

نامیبیا کشوری مستقل

پس از اعلام نتایج انتخابات، مردم پایتخت به خیابان‌ها ریخته و به رقص و پایکوبی پرداختند. به این ترتیب جنبش آزادیبخش سواپو که ۲۳ سال جنگ مسلحانه را برای استقلال نامیبیا پشت سر دارد به مثابه نماینده واقعی اکثریت مردم این کشور اولین رئیس جمهور نامیبیای مستقل را تعیین خواهد کرد.

هفته گذشته نتایج انتخابات در نامیبیا آشکار گشت. همانطور که پیش‌بینی می‌شد جنبش آزادیبخش سواپو در انتخابات مجلس پیروز شد. این سازمان با بدست آوردن ۴۱ کرسی از مجموع ۷۲ کرسی حدود ۶۰ درصد آراء را بخود اختصاص داد. جبهه ائتلاف دمکراتیک که مقتدرترین رقیب سواپو به حساب می‌آید ۲۱ کرسی را بخود اختصاص داد.



حمله سراسری انقلابیون السالوادور

«مناطق آزاد» شده اعلام کرد. ویلاوبوس، فرمانده بخش نظامی این جبهه طی اعلامیه‌ای که از فرستنده رادیویی ون سروس قرائت شد به واحدهای جنگاور ابلاغ کرد موضعی را که در حمله هفته گذشته تصرف کرده‌اند حفظ کنند. از همین مناطق قیام همومی سازمان داده خواهد شد. ویلاوبوس افزود چریک‌ها در استان‌های تحت اشغال خود در شرق و شمال کشور یک حکومت خلقی بنا خواهند کرد. وی مردم را فراخواند به مبارزه بپیوندند و در چارچوب امکانات خود به دشمن ضربه زنند.

چریک‌ها هم‌اکنون قسمت شمالی پایتخت و پنج استان را در تصرف خود دارند. یک سخنگوی جبهه فارابوندومارتی دلیل حمله اخیر را به بن بست رسیدن مذاکرات باحکومت راستی‌گریستانی عنوان کرد.

طرفداران حکومت در ماه‌های اخیر به دفعات نیروهای دمکرات و فعالین سندیکایی را در روز روشن ترور کرده و بادستگیری و شکنجه نیروهای ترقیخواه بیش از پیش به مواهید خود دال بر رهایت دمکراسی در حیات اجتماعی - سیاسی پشت‌پازده بودند.

ناظران و محافل خبری جهان معتقدند که ارتش هلیتراف تدارکات نظامی خود از حمله چریک‌ها فافلگیر شده و از قدرت آنها متعجب گشته است.

اکنون دیگر ادعای درهم شکسته شدن جبهه فارابوندومارتی بسیار پوچ می‌نماید.

واحدهای نظامی جبهه آزادیبخش فارابوندومارتی هفته پیش بزرگترین حمله نظامی خود طی ۱۰ ساله اخیر جنگ داخلی را، علیه مواضع حکومت دست راستی گریستانی انجام دادند. در مناطق شمالی و شرقی سان سالوادور، تیراندازی‌ها به مدت ۲ شبانه روز ادامه یافت. نبردها در سراسر کشور امتداد پیدا کرد و شهرهای سانتا آنا در غرب، پلاتناگو در شمال و سان میگوئل و اوسولوتان در شرق را دربرگرفت.

حمله جبهه آزادیبخش فارابوندومارتی در شب یکشنبه ۱۱ نوامبر با هجوم همزمان به نقاط استراتژیک پایتخت و ایالات مختلف ره‌آسا انجام گرفت. چریک‌ها تا آستانه کاخ ریاست جمهوری، محل سکونت آلفردو گریستانی، ستاد اصلی گارد ملی و پادگان پلیس ملی پیش رفتند. آنها مناطق بسیاری در سراسر کشور و چندین قسمت پایتخت را زیر کنترل خود درآوردند و در سان سالوادور یک کنفرانس مطبوعاتی برای روزنامه نگاران ترتیب دادند. حملات چریک‌ها روز بعد نیز تداوم یافت. در این نبردها تعداد زیادی هواپیما، هلیکوپتر و تانک نیروهای دولتی بوسیله چریک‌ها منهدم شد، تعداد زیادی سلاح به تصرف انقلابیون درآمد و بیش از ۵۰۰ نفر از افسران و سربازان حکومت کشته و زخمی شدند.

در روز سه‌شنبه ۱۳ نوامبر جبهه آزادیبخش فارابوندومارتی مردم این کشور را به قیام گسترده فراخواند و همه مناطق اشغالی را

حملات جدید نیروهای شورشی در افغانستان

سختی منجر شد و ارتش افغانستان موفق شد حمله کنندگان به جلال آباد را به کلی درهم شکند و نقشه آنان دایر بر اعلام ایجاد دولت موقت در جلال آباد را در نطفه خفه کند. این بار نیروهای مجاهد تلاش میکنند قبل از فرار سیدن زمستان و توقف نسبی حملات نظامی به موفقیت‌هایی دست یابند تا در تغییر تحولات و مذاکرات با دست‌پر شرکت کنند.

گفته می‌شود نیروهای مخالف دولت افغانستان حملات جدیدی به شهر جلال آباد آغاز کرده‌اند. نیروی هوایی دولت افغانستان مقرر شورشیان را در اطراف مرکز این استان مورد حمله قرار داده است. به گفته یک سخنگوی نظامی در کابل، نیروهای مخالف دولت ۱۰۰۰۰ نفر را برای این منظور گرد آورده‌اند.

حمله قبلی نیروهای بنیادگرای اتحاد پیشاور به جلال آباد به شکست

تنگ شیائو پینگ از سیاست کناره گرفت

آخرین مقام خود به عنوان رئیس کمیسیون نظامی استعفا داد. تنگ شیائو پینگ در سال آخر کناره‌گیری خود از سیاست با صدور اجازه سرکوب جنبش دمکراسی در چین، بر سال‌های طولانی مبارزات پر ثمر خود، سایه افکند.

تنگ شیائو پینگ بالاخره کناره‌گیری قطعی خود را از سیاست اعلام کرد. وی گفت «کناره‌گیری من یک کناره‌گیری واقعی است. من نمی‌خواهم برای رهبری جدید مشکلاتی بوجود آورم. این رهبری باید با آرامش کار خود را دنبال کند.» تنگ شیائو پینگ هفته گذشته از

بلغارستان نیز به روند دگرگونسازی

پیوست

تئودور ژيوکف، رهبر حزب کمونیست و ریاست جمهوری بلغارستان، از مقام خود استعفا داد و بجای وی پتر ملادنوف بعنوان رهبر حزب کمونیست بلغارستان انتخاب شد.

این امر پس از پایان پلنوم حزب در روز جمعه ۱۰ نوامبر اعلام گشت. ملادنوف در سخنان خود چند بار بر این نکته تاکید کرد که در بلغارستان "هیچ آلترناتیوی در برابر یک دگرگونسازی کیفی" وجود ندارد. وی اعلام کرد دانشان، رفاه و پیشرفت او باید در محور روند دگرگونسازی زندگی اجتماعی قرار گیرد و روابط سیاسی بر بنیان نوینی بنا شود که به خلق امکان دستیابی واقعی به قدرت اعطا کند. تبدیل بلغارستان به یک دولت حقوقی مدرن و دموکراتیک نه فقط خواست ما بلکه یک ضرورت بسیار مهم است. ملادنوف روند دگرگونسازی بلغارستان را در چارچوب سوسیالیسم، بنام سوسیالیسم و در راه سوسیالیسم ارزیابی کرد. وی از ژيوکف با اشاره به سیستم رهبری بوروکراتیک دهه های اخیر انتقاد کرد. تئودور ژيوکف که ۳۵ سال رهبر حزب و ۱۸ سال رئیس حکومت بلغارستان بود در تمام مدت طول پلنوم ساکت و میموت روندها را نظاره می کرد. وی نه در برابر تشکری که از وی در خلال پلنوم صورت گرفت و نه در برابر انتقاد عکس العملی از خود نشان نداد. تقاضای برکناری ژيوکف از مسئولیت های خود بعنوان رهبر حزب، عضو هیئت سیاسی و رئیس جمهور نه توسط خود وی بلکه به

وسیله گئورگی اتاناسوف، نخست وزیر و سخنگوی هیئت سیاسی بیان شد.

برکناری ژيوکف و انتخاب ملادنوف در پی یک مبارزه طولانی میان دو گرایش در کمیته مرکزی حزب کمونیست بلغارستان متحقق شد. تئودور ژيوکف در نشست تعیین کننده هیئت سیاسی، یک روز قبل از برگزاری پلنوم، ابتدار بر برابر تفویض مسئولیت های خود مقاومت نشان داد و در این راه از برخی عناصر متنفذ هیئت سیاسی، منجمله دیمیتر ستویانوف، رئیس سازمان امنیت کشور، پشتیبانی می شد. اما حمایت دوبری چوروف عضو هیئت سیاسی و مبارز قذیمی دوران جنگ پارتیزانی، از برکناری ژيوکف، کفه ترازو را به نفع اصلاح طلبان چرخاند. این امر به آنها امکان داد یک اکثریت ضعیف برای برکناری ژيوکف و انتخاب ملادنوف بدست آورند. انتظار می رود در پلنوم فوق العاده کمیته مرکزی که روز ۱۴ نوامبر برگزار شده است برخی از هم نظران ژيوکف در هیئت سیاسی، منجمله ستویانوف و ایوان دانف، رئیس کمیته حزبی صوفیه، موقعیت های شان در هیئت سیاسی را از دست داده باشند و بجای آنها اصلاح طلبانی نظیر چودومیر الکساندروف، ستویان میخائیلوف و اوگنان دویونوف که قبل از آنکه در سال ۱۹۸۸، توسط ژيوکف از مقامات خود برکنار شوند، به مثابه پرنفوذترین افراد رهبری حزب قلمداد می شدند، مجدداً در پست های رهبری حزب برگزیده شده باشند.

اجرای کنسرت موسیقی ایرانی
توسط گروه "عارف"، در اروپا

برخی از مطبوعات فرانسوی به انعکاس خبر برگزاری کنسرت و تجلیل از گروه عارف پرداختند. در همین زمینه لوموند از شجریان به عنوان یکی از برجسته ترین استادان موسیقی ایرانی یاد کرد.

دومین کنسرت گروه عارف در دو شهر سوئد اجرا شد. اجرای کنسرت این گروه در یکی از شهرهای سوئد با استقبال بی نظیر ایرانیان روبرو گردید.

متأسفانه در استکهلم در شب دوم اجرا، جمعیت شرکت کننده در سالن با اقدام کاملاً غیر دموکراتیک افرادی مواجه شده که به برهم زدن محیط سالن پرداخته و با سردادن شعار علیه حکومت و گروه "عارف" جو سالن را متشنج بقیه در صفحه ۷

گروه "عارف" به سرپرستی پرویز مشکاتیان در ماه گذشته در چند کشور اروپایی به اجرای کنسرت موسیقی اصیل ایرانی پرداخت.

در سفر اخیر گروه "عارف" به اروپا، این گروه را علاوه بر پرویز مشکاتیان، (آهنگ ساز و نوازنده سنتور) محمد رضا شجریان، جمشید هندلیبی (نی) داریوش پیرنیاکان (تار)، بیژن کامکار (رباب)، اردشیر کامکار (کمانچه)، ارژنگ کامکار (تنبک) و محمد فیروزی (هود) همراهی می کنند.

اولین کنسرت این گروه در پاریس در تاتر "دولویل" اجرا شد. که مورد استقبال کم نظیر ایرانیان و علاقمندان به موسیقی ایرانی قرار گرفت. بطوریکه

برای اشتراك نثريات "كار" و "اكثريت" در خارج از کشور فرم زیر را پر کرده و همراه با معادل بهای اشتراك، نمبر پستی و یارسید بانکی پرداخت بهای اشتراك به آدرس نشریه ارسال نمایید:

دیگر نقاط	اروپا	بهای اشتراك	نشریه "كار"
۱۳ مارك	۱۱ مارك	☐ شش ماهه	☐ يك ساله
۴۴ =	۲۱ =		

دیگر نقاط	اروپا	بهای اشتراك	نشریه "اكثريت"
۳۰ مارك	۲۷ مارك	☐ سه ماهه	☐ شش ماهه
۵۸ =	۵۲ =	☐ يك ساله	
۱۱۵ =	۱۰۲ =		

آدرس كامل (لطفاً خوانا بنویسید)

AKSARIYAT
NO. 283

MONDAY, 20 NOV 89

حساب بانکی:
AUSTRIA - WIEN
BAWAG
(BANK FÜR ARBEIT UND WIRTSCHAFT)
NR. 02910701-650
DR. GERTRAUD ARTNER

آدرس:
Address:
RUZBEH
POSTFACH 1810
5100 AACHEN
W. GERMANY

با جمع آوری کمک مالی
فدائیان خلق را در انجام
وظایف انقلابی
یاری دهید

در برابر دموکراتیزاسیون
آلترناتیو دیگری موجود نیست

خلاصه ای از نوشته گئورگی اکسل، عضو کمیته مرکزی حزب سوسیالیست کارگری مجارستان و مدیر موسسه علوم اجتماعی به نقل از مجله مسائل صلح و سوسیالیسم.
این مطلب اندکی قبل از کنگره اخیر حزب سوسیالیست مجارستان و تصمیمات پراهمیت آن، نوشته شده است:
بقیه در صفحه ۸